

۹۹ سوال و جواب در عقیده

تهیه کننده:

قریب الله مطیع

عنوان کتاب: ۹۹ سوال و جواب در عقیده
تهیه کننده: قریب الله مطیع
موضوع: عقاید کلام - مجموعه عقاید اسلامی
نوبت انتشار: اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار: آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری
منبع: سایت عقیده www.aqeedeh.com



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....أ

مقدمه ۱

س ۱:- چرا خداوند تعالی مخلوقات را آفریده است؟ ۳

س ۲:- معنای عبادت یا پرستش چیست؟ ۳

س ۳:- چگونه خداوند تعالی را عبادت کنیم؟ ۳

س ۴:- عبادت با چه شروطی قبول می گردد؟ ۳

س ۵:- معنای اخلاص نیت چیست؟ ۳

س ۶:- دینی که خداوند به پیروی آن امر کرده است کدام است؟ ۴

س ۷:- معنای اسلام چیست؟ ۴

س ۸:- اسلام چند رکن (بنا) دارد؟ ۴

س ۹:- دلیل ارکان اسلام چیست؟ ۴

س ۱۰:- معنای لا اله الا الله چیست؟ ۵

س ۱۱:- معنای محمد رسول الله چیست؟ ۵

س ۱۲:- اگر شخصی یکی از ارکان پنجگانه‌ی اسلام را انکار کند، یا از

بعضی این ارکان سرکشی کند، حکم چنین اشخاص از نظر شریعت

چیست؟ ۵

س ۱۳:- مقام و منزلت نماز در اسلام را بیان نمایید. ۵

س ۱۴:- حکم ترک کننده‌ی نماز فرض چیست؟ ۶

س ۱۵:- آیا پدران و مادران مسؤولیت دارند تا فرزندان‌شان را به ادای نماز

امر نمایند؟ ۷

- س ۱۶:- ثروتمندی از دادن زکات امتناع می‌ورزد حکم چنین اشخاص از نظر شریعت اسلامی چیست؟ ۷
- س ۱۷:- کسانی که از دادن زکات امتناع می‌ورزند در روز آخرت چه سزائی دارند؟ ۸
- س ۱۸:- شریعت اسلامی در مورد ترک کنندگان روزه چه حکم می‌کند؟ ۸
- س ۱۹:- لطفاً در باره‌ی فضیلت روزه گرفتن معلومات دهید؟ ۸
- س ۲۰:- منزلت حج در اسلام را بیان کنید؟ ۹
- س ۲۱:- کدام حج مورد پذیرش خداوند است؟ ۹
- س ۲۲:- ایمان چیست؟ ۱۰
- س ۲۳:- ایمان چند رکن دارد؟ ۱۰
- س ۲۴:- دلیل ارکان ایمان را از قرآن کریم و حدیث شریف بیان کنید. ۱۰
- س ۲۵:- چگونه به خداوند تعالی ایمان داشته باشیم؟ ۱۰
- س ۲۶:- توحید الوهیت چیست؟ ۱۱
- س ۲۷:- توحید ربوبیت چیست؟ ۱۱
- س ۲۸:- معنای توحید اسماء و صفات چیست؟ ۱۱
- س ۲۹:- معنای ایمان داشتن به فرشتگان (ملائکه) چیست؟ ۱۲
- س ۳۰:- چرا خداوند فرشتگان را آفریده است؟ ۱۲
- س ۳۱:- فرشتگان چه صفاتی دارند و از چه آفریده شده‌اند؟ ۱۲
- س ۳۲:- وظائف و مسؤولیت‌های که فرشتگان به انجام آن مکلف‌اند چیست؟ ۱۳
- س ۳۳:- ایمان داشتن به فرشتگان چه تأثیری در زندگی مسلمان دارد؟ ۱۴
- س ۳۴:- مسلمان چگونه به کتاب‌های آسمانی ایمان داشته باشد؟ ۱۴
- س ۳۵:- نام کتاب‌های آسمانی چیست و بر کدام انبیاء نازل گردیده است؟ ۱۵

- س ۳۶:- آیا کتاب‌های انجیل و تورات که امروز در دسترس یهود و نصاری قرار دارد، همانطور است که نازل گردیده بود؟ ۱۵
- س ۳۷:- ایمان داشتن به پیامبران علیهم‌السلام چه معنی دارد؟ ۱۵
- س ۳۸:- آیا پیامبران علیهم‌السلام بر یکدیگر امتیاز و فضیلتی دارند؟ ۱۵
- س ۳۹:- آیا پیامبر گرامی ما حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فضیلت و امتیازی بر سایر پیامبران پیشین دارد؟ ۱۶
- س ۴۰:- اگر شخصی به بعضی از پیامبران ایمان داشته و به بعضی دیگر ایمان نداشته باشد، و یا اینکه به یکی از پیامبران سخن بدی را نسبت دهد این شخص از نظر شریعت اسلام چیست؟ ۱۷
- س ۴۱:- چرا خداوند پیامبران را فرستاده است؟ ۱۷
- س ۴۲:- آخرین پیامبران کیست؟ ۱۸
- س ۴۳:- ایمان داشتن به روز آخرت چه معنی دارد؟ ۱۸
- س ۴۴:- آیا به وقوع پیوستن قیامت را کسی می‌داند؟ ۱۹
- س ۴۵:- علامات و نشانه‌های که قبل از روز قیامت آشکار می‌گردد کدام‌ها اند؟ ۱۹
- ۱:- علامات خورد (صغری) که اکثر آن واقع شده است ما عمده‌ترین آنرا بطور مختصر ذکر می‌کنیم: ۱۹
- ۲:- علامات بزرگ (کبری) که هنوز بوقوع نپیوسته است ما بطور مختصر آنرا ذکر می‌کنیم: ۲۱
- س ۴۶:- روز قیامت چه مراحل دارد و از کجا آغاز می‌گردد؟ ۲۱
- س ۴۷:- پل صراط چیست؟ ۲۴
- س ۴۸:- در مورد حوض کوثر معلومات دهید. ۲۵
- س ۴۹:- چگونه به جنت و دوزخ ایمان داشته باشیم؟ ۲۶
- س ۵۰:- آیا اهل بهشت پروردگارشان را می‌بینند؟ ۲۶
- س ۵۱:- لطفاً در باره‌ی شفاعت معلومات دهید. ۲۶

- س ۵۲:- شفاعت چند نوع است؟ ۲۷
- س ۵۳:- آیا زندگی دوزخیان و بهشتیان جاودانه و دائمی است؟ ۲۷
- س ۵۴:- اگر کسی از زنده شدن بعد از مرگ انکار کند چه حکم دارد؟ ۲۸
- س ۵۵:- ایمان به قدر «تقدیر» چیست؟ ۲۸
- س ۵۶:- لطفاً در مورد تقدیر معلومات بیشتر بدهید؟ ۲۹
- س ۵۷:- شخصی می گوید: من بر آنچه که در مورد در ازل و لوح محفوظ نوشته شده است اعتماد و اکتفاء نموده عملی انجام نمی دهم، جوابش درین مورد چیست؟ ۳۰
- س ۵۸:- اموری که مسلمان را از دایره ی اسلام خارج ساخته و ایمانش را نقض می کند چیست؟ ۳۱
- س ۵۹:- تصدیق نمودن جادوگران، فال بینان و شعبده بازان چه حکم دارد؟ ۳۶
- س ۶۰:- شریعت اسلام در مورد علم نجوم و منجمانی که با استدلال به امور فلکی حوادث و پیش آمدهای جهان را پیش بینی می کنند چه حکم می کند؟ ۳۶
- س ۶۱:- چگونه جادو یا طلسم را باز کنیم؟ ۳۷
- س ۶۲:- سزای جادوگر چیست؟ ۳۷
- س ۶۳:- فال چیست و چند نوع دارد؟ ۳۷
- س ۶۴:- چگونه از بد فالی خودداری نمائیم؟ ۳۸
- س ۶۵:- معنای شرک چیست و بر چند نوع است؟ ۳۹
- مثال هایی از شرک اصغر: ۴۰
- س ۶۶:- فرق میان شرک اکبر و اصغر چیست؟ ۴۲
- س ۶۷:- آیا مرده ها آواز زنده ها را می شنوند؟ ۴۲
- س ۶۸:- آیا از مرده های که مردمان نیک و صالح بودند کمک و یاری خواستن جایز است؟ ۴۳
- س ۶۹:- چه کسانی اولیاء الله اند؟ ۴۳

- س ۷۰:- کرامات اولیاء چیست؟ ۴۴
- س ۷۱:- آیا مسلمان ضرورت به واسطه‌ای میان خود و پروردگارش دارد؟
..... ۴۴
- س ۷۲:- مسلمان با کدام وسیله می‌تواند بخداوند نزدیک گردد؟ ۴۵
- س ۷۳:- تعویذ چیست؟ و آیا بستن آن جایز است؟ ۴۵
- س ۷۴:- آویختن مهره، حلقه، کره، چشم مهره، خرمهره، و قلاده و غیره بر
گردن کودکان و حیوانات چه حکم دارد؟ ۴۶
- س ۷۵:- در مورد دم کردن و دعا خوانی بر مریض، شریعت اسلامی چه
حکم می‌کند؟ ۴۷
- س ۷۶:- آیا حصول برکت و فیض از سنگ، درخت، قبر و غیره جایز است؟
..... ۴۸
- س ۷۷:- بدعت در دین چیست؟ ۴۹
- س ۷۸:- بدعت در دین چه حکم دارد؟ ۴۹
- س ۷۹:- لطفاً بعضی از بدعت‌های که در بین مسلمانان منتشر گردیده
است مختصراً بیان کنید؟ ۵۰
- س ۸۰:- آیا پیامبر گرامی ما حضرت محمد ۵۲
- س ۸۱:- آیا پیامبر ۵۳
- س ۸۲:- چگونه خداوند متعال و پیامبر گرامی‌اش را دوست بداریم؟ ... ۵۴
- س ۸۳:- علت و انگیزه‌ی ظهور بدعت‌ها در امت اسلامی چیست؟ ۵۴
- س ۸۴:- چگونه از بدعت، انحراف و خرافات دوری و رزیم؟ ۵۵
- س ۸۵:- هرگاه در مسأله‌ی اختلاف رخ دهد چگونه آنرا حل نمائیم؟ ... ۵۵
- س ۸۶:- در باره‌ی اصحاب کرام رضی الله عنهم چگونه عقیده داشته باشیم؟ ۵۶
- س ۸۷:- آیا میان یاران پیامبر صلی الله علیه و آله تفاوت و افضلیت وجود دارد؟ ۵۷
- س ۸۸:- افضل‌ترین اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله چه کسانی‌اند؟ ۵۷
- س ۸۹:- عقیده اهل سنت و جماعت در مورد اختلافات و درگیری‌های که
میان اصحاب کرام صورت گرفت چیست؟ ۵۷

- س ۹۰:- مسؤلیت ما در قبال اهل بیت پیامبر ۵۹
- س ۹۱:- چه کسانی اهل بیت پیامبر ۵۹
- س ۹۲:- اگر امروز کسی ادعا کند که وی از اهل بیت پیامبر گرامی ما . ۶۰
- س ۹۳:- اگر شخصی مرتکب گناهی بزرگ و یا شرک شود آیا دروازه‌ی توبه
برویش باز است؟ ۶۰
- س ۹۴:- توبه‌ی که مورد قبول قرار می‌گیرد چگونه است؟ ۶۱
- س ۹۵:- چه زمانی توبه قبول نمی‌گردد؟ ۶۱
- س ۹۶:- پیامبر ﷺ چگونه امتش را به توبه و بازگشت به سوی خداوند
توصیه نموده‌اند؟ ۶۲
- س ۹۷:- آیا کسی بدون حساب و عذاب وارد بهشت می‌شود؟ ۶۲
- س ۹۸:- چه کسانی در روز قیامت زیر سایه‌ی عرش خداوند قرار می
گیرند؟ ۶۲
- س ۹۹:- بهترین مسلمانان چه کسی می‌باشد؟ ۶۳
- ۶۵..... مآخذ

مقدمه

الحمد لله والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء وعلى آله وأصحابه ومن والاه

وبعد...

خداوند عز وجل می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٦﴾﴾ [التحریم: ٦].

ترجمه: «ای مؤمنان! خود و خانواده‌ی خویش را از آتشی نگاهدارید که آتش‌انگیز آن مردم و سنگ‌ها است، فرشتگانی بر آن گمارده شده‌اند که خشن و سختگیر، و زورمند و توانا هستند، از خدا در آنچه به ایشان دستور داده‌است نافرمانی نمی‌کنند، و همان چیزی را انجام می‌دهند که به آن مأمور شده‌اند».

علمای اسلام همه متفق‌اند که علم عقیده‌ی اسلامی از مهمترین علوم اسلامی بشمار می‌رود، زیرا سر نوشت هر مسلمان در دنیا و آخرت مرتبط به این علم بوده آموختن و عمل کردن به آن بر همه پیروان آئین اسلام لازم و ضروریست.

اگر مسلمان اصول و زیر بنای دین خود را نداند و باسلاح عقیده‌ی صحیح که مبتنی بر قرآن و سنت است مسلح نباشد، در آخرت از جمله‌ی زیان کاران خواهد بود، خصوصاً در عصر حاضر که گرایش‌های مختلف و مفکوره‌های کفری و انحرافات عقیدوی و بدعت و نو آوری‌ها دامنگیر این امت شده است.

کتابی که در دسترس شما قرار دارد، آنرا از مراجع و مصادر معتبر و موثوق اهل سنت و جماعت که در باره‌ی علم عقیده تألیف شده است جمع‌آوری نموده و بشکل سوال جواب در آورده شد، تا خواننده گرامی ما را در فهم و درک مسایل و مطالب آن بیشتر کمک نماید.

در پایان خداوند عز و جل را سپاسگزارم که به من توفیق عنایت فرمود تا کتابی را در باره‌ی عقیده تهیه نموده به برادران و خواهران مسلمانم تقدیم نمایم.
وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آله و صحبه وسلم.

قریب الله مطیع / مدینه‌ی منوره

۱۴۲۶/۶/۲۸ هـ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

س ۱:- چرا خداوند تعالی مخلوقات را آفریده است؟

ج :- هدف از آفرینش مخلوقات یکتا پرستی خداوند است.

خداوند می فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾﴾

[الذاریات: ۵۶].

ترجمه: «من جن و انسان ها را جز برای پرستش خود نیافریده ام».

س ۲:- معنای عبادت یا پرستش چیست؟

ج :- عبادت اسم جامعی است که بر همه اقوال و اعمال ظاهری و

باطنی که خداوند به آن راضی و خوشنود می شود اطلاق می گردد.

س ۳:- چگونه خداوند تعالی را عبادت کنیم؟

ج :- خداوند تعالی را باید مطابق اوامرش و اوامر پیامبرش عبادت

کنیم. پیامبر ﷺ می فرماید: «آنکه عملی را انجام دهد که شریعت ما آنرا

تأیید نمی کند پس مردود است». صحیح مسلم.

س ۴:- عبادت با چه شروطی قبول می گردد؟

ج :- عبادت با دو شرط قبول می گردد: ۱:- اخلاص نیت در عبادت و

دوری از ریا ۲:- موافقت آن با شریعت خداوند تعالی.

س ۵:- معنای اخلاص نیت چیست؟

ج :- معنای اخلاص نیت اینست که هدف مسلمان از گفتار و عمل چه

ظاهری و یا باطنی رضامندی خداوند تعالی باشد چنانکه خداوند می فرماید:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ﴾ [البینة: ۵].

ترجمه: «و دستور داده نشده است به ایشان مگر آنکه مخلصانه و حقگرایانه خداوند را بپرستند».

س ۶:- دینی که خداوند به پیروی آن امر کرده است کدام است؟

ج:- دینی که خداوند به پیروی آن امر کرده است اسلام است.

چنانکه خداوند می فرماید: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ [آل عمران: ۱۹].

ترجمه «در حقیقت دین ((معتبر و پسندیده)) نزد خداوند دین اسلام است».

س ۷:- معنای اسلام چیست؟

ج:- اسلام یعنی تسلیم شدن به خداوند بی همتا و به اوامر و نواهی او گردن نهادن و دوری از شریک آوردن به الله است.

س ۸:- اسلام چند رکن (بنا) دارد؟

ج:- اسلام پنج رکن دارد که عبارت‌اند از:

۱- گواهی دادن بر کلمه‌ی شهادت «لا اله الا الله محمد رسول الله».

۲- نماز خواندن.

۳- زکات دادن.

۴- روزه گرفتن ماه رمضان.

۵- حج کردن خانه‌ی خداوند «اگر توان آنرا داشته باشد»

س ۹:- دلیل ارکان اسلام چیست؟

ج:- دلیل آن حدیث جبرئیل است هنگامی که از پیامبر ﷺ در باره‌ی

مسائل دین پرسید. «... جبرئیل گفت: ای محمد! مرا از اسلام خبر ده.

رسول الله ﷺ فرمود: «اسلام اینست که شهادت دهی اینکه معبود بر حقی

جز الله نیست و محمد فرستاده‌ی خداست و نماز برپا داری و زکات بدهی و

رمضان را روزه بگیري و اگر توانايي داشته ي به حج خانه ي خدا بروي...».
نزد مسلم

س ۱۰:- معنای لا اله الا الله چیست؟

ج :- یعنی هیچ معبودی بر حق جز الله تعالی نیست، پس چنانکه در پادشاهی الله تعالی کسی شریک نیست همانطور در عبادت نیز کسی باوی شریک نمی باشد.

س ۱۱:- معنای محمد رسول الله چیست؟

ج :- معنای محمد رسول الله اینست که مسلمان به نبوت و رسالت او از اعماق قلب ایمان داشته باشد و درین گواهی قلب و زبانش باهم موافق باشد. و آنچه از اخبار گذشته و آینده را که آن حضرت صلی الله علیه و آله خبر داده است تصدیق نماید. اوامر وی را بر خود فرض بداند و از نواهی وی بپرهیزد. پیرو شریعت وی باشد و فیصله های او را باکمال رضائیت قبول کند. و بداند که طاعت پیامبر صلی الله علیه و آله طاعت خداوند تعالی است و نافرمانی او نافرمانی الله تعالی است زیرا آن حضرت صلی الله علیه و آله از جانب او تعالی بسوی بندگانش فرستاده شده است.

س ۱۲:- اگر شخصی یکی از ارکان پنجگانه ی اسلام را انکار کند، یا از بعضی این ارکان سرکشی کند، حکم چنین اشخاص از نظر شریعت چیست؟

ج :- این چنین اشخاص از دیدگاه شریعت اسلامی کافر شمرده شده در صف مستکبرین مانند ابلیس و فرعون قرار گرفته است و مانند کفار و طاغوت ها باوی تعامل صورت می گیرد.

س ۱۳:- مقام و منزلت نماز در اسلام را بیان نمائید.

ج :- نماز مقام و منزلت بزرگی را در بین سایر عبادات دارا می باشد، نماز مرز فاصل بین اسلام و کفر است از اینجاست که در ادای آن تشویق و

ترغیب زیادی صورت گرفته است، و ترک کننده آن در معرض خطر قرار دارد.

نماز عبادتی است که در تمامی ادیان آسمانی گذشته وجود داشته است زیرا در تربیت و اصلاح نفس نقش مهمی دارد.

پیامبر ﷺ می فرمایند: «اولین عملی که بنده در روز قیامت در مورد آن محاسبه می شود نماز اوست، اگر درست بود بدون شک کامیاب و رستگار گردید و اگر فاسد و نادرست شد همانا هلاک و زیانکار گردید...» نزد ترمذی.

س ۱۴: - حکم ترک کننده ی نماز فرض چیست؟

ج: - نماز ستون اسلام است و مرزی میان کفر و اسلام شمرده شده است، پیامبر ﷺ می فرمایند: «عهد و پیمانی که میان ما و آن ها (منافقین) است عبارت از نماز می باشد و کسی که آن را ترک نمود به تحقیق کافر شده است» نزد ترمذی

چنانکه روایت شده است که اصحاب و یاران محمد ﷺ ترک هیچ عملی را بجز نماز کفر نمی شمردند. نزد ترمذی

علما در مورد سرنوشت ترک کننده ی نماز اختلاف نظر دارند، لیکن اکثریت آنان بر این عقیده اند که اگر شخصی بدون عذر شرعی و از روی تنبلی نماز را از وقت تعیین شده اش تأخیر کند مرتکب گناهی بزرگی شده است پس باید حاکم از او بخواهد که توبه کند و دوباره مرتکب این جرم بزرگ نشود، اگر توبه نکرد نظر به حکم قرآن کشته شود، خداوند می فرماید:

﴿فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَعَآتُوا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ﴾ [التوبة: ۵].

ترجمه: «پس اگر توبه کنند - منافقین - و برپا دارند نماز را و بدهند زکات را پس بگذارید راه ایشان را».

و اگر کسی نماز را از روی انکار ترک کند کافر بوده و مرتد گردیده و باید کشته شود.

س۱۵:- آیا پدران و مادران مسؤولیت دارند تا فرزندان شان را به ادای نماز امر نمایند؟

ج :- بلی، والدین مسؤولیت بزرگی را درین مورد بدوش دارند و در نزد خداوند با آنان محاسبه خواهد شد، پیامبر ﷺ امتش را چنین توصیه می نمایند: «اولاد خود را در هفت سالگی به نماز امرنمائید و در ده سالگی آن ها را بخاطر ترک نماز بزیند و خوابگاه شان را جدا کنید». نزد ابوداود.
پس بر اولیای امور اطفال لازم است تا کودکان را اعم از پسر و دختر در هفت سالگی به نماز امر نمایند، و در ده سالگی او را توصیه کنند، و در صورت لزوم بخاطر تأدیب او را بزنند، تا طفل به ادای نماز عادت بگیرد و در نتیجه وقتی بالغ می شود و نماز بر او فرض می گردد با سهولت و با رغبت و کمال میل خود به ادای نماز روی می آورد.

س۱۶:- ثروتمندی از دادن زکات امتناع می ورزد حکم چنین اشخاص از نظر شریعت اسلامی چیست؟

ج :- اگر ثروتمندی از دادن زکات امتناع ورزید بر حاکم لازم است تا از راه زور و فشار زکات را از آن ها بستاند و اگر نیروی جنگی داشتند باید با آن ها بجنگد تا زکات را بدهند.

«از ابوهیره رضی الله عنه روایت شده که چون رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وفات یافتند و ابوبکر صدیق رضی الله عنه خلیفه بود عده ای از مردم عرب به کفر گرویدند و از دادن زکات امتناع ورزیدند، ابوبکر صدیق رضی الله عنه فرمود: سوگند به خدا با کسی می جنگم که میان نماز و زکات فرق می گزارد زیرا زکات حق مال است». بخشی از حدیث متفق علیه.

س ۱۷:- کسانی که از دادن زکات امتناع می‌ورزند در روز آخرت چه سزائی دارند؟

ج :- پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هیچ صاحب طلا و نقره‌ی نیست که حق آن (زکاتش) را از آن تأدیه نکند، مگر اینکه در روز قیامت برایش تخته‌هائی از آتش ساخته شده و در آتش جهنم داغ گردیده پهلوی و پیشانی و پشتش بدان داغ کرده می‌شود روزی که به اندازه‌ی پنجاه هزار سال است تا در میان بندگان حکم صورت گرفته و او راهش را بسوی بهشت یا دوزخ ببیند...» نزد مسلم.

به همین ترتیب صاحبان اموال تجارت و مواشی و زمین‌دارانی که از کشت و زرع زمین‌های شان استفاده می‌کنند باید زکات و یا عشر آنرا بپردازند.

س ۱۸:- شریعت اسلامی در مورد ترک کنندگان روزه چه حکم می‌کند؟

ج :- کسانی که در گرفتن روزه تنبلی می‌کنند و به بهانه‌های دروغین می‌خواهند از عملی کردن این فریضه‌ی خداوندی شانہ خالی کنند، حاکم یا نائب او مسؤولیت دارد چنین اشخاص را باز پرس کند و او را جزای سنگین بدهد تا عبرت و پند برای او و دیگران گردد.

س ۱۹:- لطفاً در باره‌ی فضیلت روزه گرفتن معلومات دهید؟

ج :- پیامبر ﷺ می‌فرماید: «کسی که رمضان را از روی ایمان و اخلاص روزه گیرد گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود» متفق علیه همچنان ﷺ فرمودند: «خداوند عزوجل می‌فرماید: «هر عملی فرزند آدم چند برابر می‌شود، نیکی به ده برابرش تا هفتصد برابرش، الله تعالی فرمود: مگر روزه که همانا از برای من است و من بدان پاداش می‌دهم، شهوت و طعام خود را به دستور من می‌گزارد و برای روزه دار دو شادی است یک شادی در وقت افطارش و یک شادی در وقت ملاقات با پروردگارش و

سوگند که بوی دهن روزه دار در نزد خداوند متعال از بوی مشک بهتر است». نزد مسلم

س ۲۰: - منزلت حج در اسلام را بیان کنید؟

ج: - حج در تمام عمر مسلمان یکبار بر وی فرض می‌گردد پس لازم است در ادای آن تأخیر و تنبلی نکند، خداوند می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ [آل عمران: ۹۷].

ترجمه: «و حق خداست بر مردم که خانه‌ی او را حج کنند هر که توانایی رفتن به سوی آنرا دارد - از جهت اسباب راه - و هرکه کافر شود پس بی‌گمان خداوند از عالمیان بی‌نیاز است».

همچنان پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «کسی که حج کند و فحش‌گویی نکرده و فسق ننماید، مانند روزی که مادرش او را زائیده بود (بیگناه) باز می‌گردد». متفق علیه

س ۲۱: - کدام حج مورد پذیرش خداوند است؟

ج: - حج با شروط ذیل مورد قبول قرار می‌گردد:

۱ - مالیکه با آن حج می‌کند باید حلال و پاک باشد.
۲ - خاص بخاطر رضای خداوند و دور از هرگونه ریا، شهرت و نیکنامی باشد.

۳ - گفتار و کردار بد را کنار گذاشته، از خصومات و مجادله با مسلمانان و اذیت آن‌ها اجتناب ورزد و بسوی زنان نگاه نکند.

۴ - از اعمال و سخنان بد گذشته توبه کند و حقوق مردم را دوباره به آن‌ها بسپارد و با کسانی که خصومت و دشمنی داشت معذرت خواسته آنان را راضی بسازد.

س ۲۲:- ایمان چیست؟

ج :- ایمان عبارت است از اقرار بزبان، تصدیق با قلب و عمل نمودن با اعضا.

س ۲۳:- ایمان چند رکن دارد؟

ج :- ایمان شش رکن دارد که عبارت‌اند از: ۱- ایمان بخداوند ۲:- ایمان به فرشتگان ۳:- ایمان به کتاب‌های آسمانی ۴:- ایمان به پیامبران ۵:- ایمان بروز آخرت ۶:- ایمان به قدر (تقدیر).

س ۲۴:- دلیل ارکان ایمان را از قرآن کریم و حدیث شریف بیان کنید.

ج :- دلیل ارکان ایمان از قرآن کریم فرموده‌ی خداوند تعالی است:

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ﴾ [البقرة: ۱۷۷].

ترجمه: «نیست نیکو کاری آنکه متوجه کنید روی خود را بطرف مشرق و مغرب و لیکن نیکوکاری آنست که بخدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب و پیامبران ایمان آورد».

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾ [القمر: ۴۹].

ترجمه: «هر آئینه ما هرچیز را به اندازه‌ی لازم و از روی حساب و نظام آفریده‌ایم».

دلیل ارکان ایمان از حدیث، فرموده‌ی آن حضرت عليه السلام به جبرئیل عليه السلام است «... جبرئیل گفت: پس مرا از ایمان خبر ده. فرمودند: اینکه ایمان بیاوری به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبرانش و روز آخرت، و ایمان بیاوری به قدر خیرش و شرش...». نزد مسلم

س ۲۵:- چگونه به خداوند تعالی ایمان داشته باشیم؟

ج :- ایمان به خداوند اینست که بنده از صمیم قلب به وجود الله تعالی باور داشته باشد و بداند که او ذاتی است واحد و یکتا و بی‌همتا. هیچ چیزی بر او سبقت نکرده و نه بعد از فنا و نابودی جهان و کائنات غیر از او چیزی باقی نمی‌ماند، خداوند بر همه چیز غالب است و هیچ چیزی بر او غالب نیست، همه چیزهای پنهان به او آشکار است و اوست زنده و همیشه، بی‌نیاز و بی‌مانند.

خداوند در الوهیت و ربوبیت و اسماء و صفات خود واحد و بی‌مثال است

س ۲۶:- توحید الوهیت چیست؟

ج :- یگانه پنداشتن خداوند در پرستش را توحید الوهیت گویند یعنی عبادت با همه انواع آن خاص به الله تعالی است چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ﴾ [الإسراء: ۲۳].

ترجمه: «پروردگار تو حکم کرد که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید».

س ۲۷:- توحید ربوبیت چیست؟

ج :- یگانه دانستن خداوند در آفرینش کائنات را توحید ربوبیت گویند یعنی خداوند پروردگار، آفریدگار، و مدبر همه چیز است، همه چیز بدست و تصرف اوست، و به کمک دیگران ضرورت ندارد، خداوند می‌فرماید:

﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُ وِليٌّ مِنَ الدُّنْيَا وَكَبِيرَهُ كَبِيرًا﴾ [الإسراء: ۱۱۱].

ترجمه: «بگو: حمد و سپاس خداوندی راست که برای خود هیچ فرزندی برنگزیده است و در فرمانروائی (جهان) شریکی انتخاب ننموده است و باوری بخاطر ناتوانی نداشته است، بنابراین او را به تعظیم یاد کن».

س ۲۸:- معنای توحید اسماء و صفات چیست؟

ج - توحید اسماء و صفات اینست که مسلمان اعتقاد کامل و راسخ داشته باشد اینکه خداوند تعالی متصف به تمام صفات کمال بوده از همه نواقص و عیوب پاک و منزه است و باید به تمام اسما و صفات خداوند تعالی طوریکه لایق و شایسته‌ی شأن اوست ایمان بیاورد ، طوریکه خداوند در قرآن مجید و پیامبر ﷺ در احادیث نبوی وصف نموده‌اند. مسلمان باید بدون اینکه از کیفیت و چگونگی آن سوال کند به آن اوصاف ایمان بیاورد و در مورد اثبات این اسماء و صفات به هیچ نوع زیادت و یا نقص و یا تشبیه و یا تمثیل و یا انکار قایل نباشد خداوند می‌فرماید:

﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشوری: ۱۱].

ترجمه: «هیچ چیزی همانند خدا نیست و او شنوا و بینا است». چنانکه

می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ [الأعراف: ۱۸۰].

ترجمه: «خداوند دارای زیباترین نام‌ها است پس او را به آن نام‌ها بخوانید». پیامبر ﷺ می‌فرماید: «خداوند دارای ۹۹ اسم بوده، هر که آن را یاد کند داخل بهشت می‌شود». متفق علیه.

س ۲۹: - معنای ایمان داشتن به فرشتگان (ملائکه) چیست؟

ج - معنای ایمان داشتن به فرشتگان اینست که مسلمان به وجود آن‌ها اعتراف داشته اعمال و وظائف مربوط به آن‌ها را که در دنیا و آخرت بدوش دارند و انجام می‌دهند تصدیق کند.

س ۳۰: - چرا خداوند فرشتگان را آفریده است؟

ج - خداوند فرشتگان را برای عبادت خودش و انجام اوامرش در کائنات آفریده است.

س ۳۱: - فرشتگان چه صفاتی دارند و از چه آفریده شده‌اند؟

ج - فرشتگان در عالم غیب و پنهان مشغول طاعت و عبادت خداوند هستند و انسان آن‌ها را به چشم مشاهده نمی‌تواند و هیچ کس غیر از

خداوند تعداد و چگونگی آن‌ها را نمی‌داند. خداوند آن‌ها را از نور آفریده است و می‌توانند به اشکال مختلف خود را ظاهر سازند، فرشتگان دارای بال‌های هستند، بعضی از آن‌ها دو بال و یا سه بال یا چهار بال و یا بال‌های بیشتری دارند مانند جبرئیل که ششصد بال دارد چنانکه رسول الله ﷺ وی را دید که هر بالش افق را پوشانیده بود.

س ۳۲: - وظائف و مسؤولیت‌های که فرشتگان به انجام آن مکلف‌اند چیست؟

ج :- فرشتگان مخلوقات مطیع و فرمانبرداری‌اند که هیچگاه از طاعت و عبادت خداوند خسته نشده و سرباز نمی‌زنند، و به وظائفی که مأمور‌اند هیچ تأخیر نمی‌کنند فرشتگان وظائف و اعمال معین را بدوش دارند که بطور مختصر آنرا بیان می‌کنیم.

۱- جبرئیل: مأمور به فرود آوردن وحی از جانب خداوند به پیامبران خدا است.

۲- میکائیل: مأمور به فرود آوردن باران است.

۳- اسرافیل: موظف به دمیدن صور (بوق) است هنگامی که خداوند بخواهد مردم را از قبرهای شان بیرون آرد.

۴- فرشتگانی است که موظف به قبض جان‌ها اند مانند ملک الموت و همکاران او.

۵- بعضی آن‌ها اعمال بندگان را می‌نویسند (کراماً کاتبین) یکی در پهلوی راست حسنات را می‌نویسد و دیگری در پهلوی چپ بدی‌های انسان را می‌نویسد، آن‌ها در هر جایی با انسان همنشین هستند و او را ترک نمی‌کنند.

۶- بعضی از آن‌ها مسؤولیت نگهداری و حفاظت انسان را بدوش دارند.

۷- فرشتگانی‌اند که مسؤولیت بهشت و نعمت‌های آن را دارند.

- ۸- بعضی از فرشتگان موظفین دوزخ و عذاب آن هستند مانند مالک و همراهانش.
- ۹- فرشتگانی است که مأمور به پرسیدن مردگان در قبر اند، (منکر و نکیر).
- ۱۰- بعضی از آن‌ها عرش خداوند را حمل می‌کنند.
- ۱۱- فرشتگانی‌اند که مسؤولیت القای نطفه در رحم و مراحل خلقت انسان در رحم مادر را بدوش دارند.
- ۱۲- بعضی آن‌ها مقربین در بار خداوند تعالی‌اند.
- ۱۳- فرشتگانی هستند که همیشه در رکوع و سجود مشغول عبادت خداوند اند و هیچگاه سر خود را بلند نمی‌کنند.
- ۱۴- فرشتگانی‌اند که همیشه در جستجوی مجالس ذکر می‌باشند. خلاصه اینکه هر رویداد و واقعه‌ی که در این کائنات پدید می‌آید همه را خداوند توسط فرشتگانش به اجرا در می‌آورد.
- س ۳۳:- ایمان داشتن به فرشتگان چه تأثیری در زندگی مسلمان دارد؟
- ج :- ایمان به فرشتگان تأثیر بس بزرگی در زندگی مسلمان دارد وقتی مسلمان درک کرد که وی مراقبت می‌شود و در هر زمان و مکان چیزی دنبالش است و حرکات و سکناش را ثبت می‌کند. بلا فاصله احتیاط نموده مواظب گفتار و کردار خود خواهد بود، تا در موردش چیزی نوشته نشود.
- س ۳۴:- مسلمان چگونه به کتاب‌های آسمانی ایمان داشته باشد؟
- ج :- مسلمان باید یقین کامل داشته باشد که همه کتاب‌ها از جانب الله تعالی فرود آمده است، بعضی را خداوند توسط جبرئیل به پیامبرانش فرستاده است یا اینکه از پشت پرده بدون واسطه‌ی با پیامبرش سخن گفته است و بعضی از آن‌ها را خداوند ﷻ قسم نوشته شده به پیامبرانش فرستاده است.

س ۳۵:- نام کتاب‌های آسمانی چیست و بر کدام انبیاء نازل گردیده است؟

ج :- کتاب‌های که باید به آن ایمان داشته باشیم این‌ها است:

۱- قرآن کریم بر حضرت محمد ﷺ نازل گردیده.

۲- تورات بر موسی ﷺ نازل گردید.

۳- انجیل بر عیسی ﷺ نازل گردید.

۴- زبور بر داود ﷺ نازل گردید.

۵- صحف ابراهیم و موسی ﷺ.

علاوه بر این کتاب‌های دیگری بر سایر پیامبران نازل گردیده است که در قرآن از آن‌ها نام برده نشده است.

س ۳۶:- آیا کتاب‌های انجیل و تورات که امروز در دسترس یهود و نصاری قرار دارد، همانطور است که نازل گردیده بود؟

ج :- نه، کتاب‌های تورات و انجیل امروزی همه تحریف شده است، زیرا علمای آن‌ها این کتاب‌ها را مطابق هوی و هوس خویش تغییر داده‌اند.

س ۳۷:- ایمان داشتن به پیامبران ﷺ چه معنی دارد؟

ج :- ایمان داشتن به پیامبران اینست که مسلمان باید یقین کامل داشته باشد که خداوند متعال به هر قومی از میان خود شان پیامبری را بر گزیده است تا آن‌ها را بسوی عبادت خداوند بی‌همتا و ترک شرک و بت‌پرستی دعوت کند. پیامبران خداوند دارای اوصاف نیک مانند، راستی، امانت داری، نیکو کاری، عزت، وقار، عفت، تقوی، و خیر خواهی مردم بودند.

س ۳۸:- آیا پیامبران ﷺ بر یکدیگر امتیاز و فضیلتی دارند؟

ج :- بلی، بعضی پیامبران بر بعضی دیگر امتیاز دارند خداوند می‌فرماید:

﴿تِلْكَ أَلْسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِّنْهُمْ مَّن كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ
دَرَجَاتٍ﴾ [البقرة: ۲۵۳].

ترجمه: «این پیغمبران بعضی از ایشان را بر بعضی دیگر برتری دادیم. خداوند با برخی از آنها سخن گفت، و بعضی را درجاتی برتر داد.»
مثلاً: خداوند متعال ابراهیم و محمد ﷺ را بدوستی خود برگزیده و با موسی ﷺ سخن گفت و به ادريس ﷺ مقام بلند بخشید و عیسی ﷺ را بدون پدر و با ذریعه‌ی کلمه‌ی ((کن)) در مریم القاء کرد سپس او را بسوی خود بالا برد.

س ۳۹: - آیا پیامبر گرامی ما حضرت محمد ﷺ فضیلت و امتیازی بر سایر پیامبران پیشین دارد؟

ج :- بلی، پیامبر گرامی ما فضایل و خصوصیات و امتیازاتی بر سایر پیامبران دارد که آنرا ذکر می‌نمایم.

۱- پیامبر ما ﷺ سردار و بهترین اولاد آدم است چنانکه ﷺ می‌فرماید: «من سردار فرزندان آدم هستم و به آن فخر نمی‌کنم».
نزد ترمذی و ابن ماجه و احمد.

۲- پیامبر ما به سوی جن و انس فرستاده شده است.

۳- پیامبر ما آخرین پیامبر است و به همه جهانیان تا روز قیامت فرستاده شده است.

۴- هیچ انسانی بدون ایمان آوردن به محمد ﷺ به بهشت داخل نخواهد شد چنانکه علیه الصلاة والسلام فرموده‌اند: «قسم بذاتیکه جان من بدست اوست، هیچ فردی از مردم چه یهودی باشد یا نصرانی، دعوت من بگوش او برسد سپس بمیرد در حالیکه به من و

به آنچه فرستاده شده‌ام ایمان نیاورد، از جمله‌ی دوزخیان خواهد بود» نزد مسلم و احمد.

۵- حضرت پیامبر ﷺ بعضی امتیازات خود را بر سایر پیامبران چنین بیان می‌کند: «پنج چیز به من داده شده که قبل از من به کسی داده نشده است:

۱- به مسافت یکماه راه، دشمن از من می‌ترسد.
 ۲- تمام زمین برایم سجده گاه گردانیده شده است بناءً هر فردی از امتم در هر جائی که وقت نمازش شود پس در همانجا نماز خود را ادا نماید.

۳- مال غنیمت برایم حلال گردانیده شده، در حالیکه قبل از من برای کسی حلال نبود.

۴- به من اجازه‌ی شفاعت داده می‌شود.

۵- قبل از من هر پیامبری تنها بسوی قومش فرستاده می‌شد لکن من بسوی همه بشریت فرستاده شده‌ام» متفق علیه.

س ۴۰:- اگر شخصی به بعضی از پیامبران ایمان داشته و به بعضی دیگر ایمان نداشته باشد، و یا اینکه به یکی از پیامبران سخن بدی را نسبت دهد این شخص از نظر شریعت اسلام چیست؟

ج :- ایمان به پیامبران رکنی از ارکان ایمان بشمار می‌رود، اگر مسلمانی ایمان به همه‌ی پیامبران ﷺ مانند ایمانش به محمد ﷺ نداشته باشد، مسلمان محسوب نمی‌شود و اگر به یکی از پیامبران کافر شود و یا سخن بد یا زشتی را به آنها نسبت دهد از دایره‌ی اسلام خارج گردیده و مرتد می‌گردد، کسی که به یک پیامبر کافر گردد چنانکه به همه‌ی آنها کافر گردیده باشد.

س ۴۱:- چرا خداوند پیامبران را فرستاده است؟

ج - : خداوند پیامبران را فرستاده است تا مردم را به عبادت خود و ترک شریک آوردن به او امر و دعوت نمایند. خداوند می فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾
[النحل: ۳۶].

ترجمه: «ما در هر گروه و ملتی پیغمبری را فرستادیم که خدا را بپرستید و از طاغوت دوری کنید».

س ۴۲: - آخرین پیامبران کیست؟

ج - : آخرین پیامبران محمد ﷺ است، بعد از وی هر کسی دعوی پیامبری را کند دروغگو و دجال است، پیامبر ﷺ می فرماید: «زود است بعد از من سی نفر دروغگو پیدا شود، همه‌ی آنها دعوی پیامبری را خواهد کرد، من آخرین پیامبران هستم و بعد از من دیگر پیامبری نیست». نزد ترمذی و احمد

س ۴۳: - ایمان داشتن به روز آخرت چه معنی دارد؟

ج - : ایمان به روز آخرت اینست که مسلمان یقین کامل به آمدن آن روز داشته باشد، و بخاطر نجات در آن روز، آماده و بیدار بوده در دنیا عمل نیک کند.

همچنان مسلمان باید به علامات و نشانه‌های روز آخرت که قبل از برپا شدن قیامت به وقوع می‌پیوندد ایمان داشته باشد.

در ضمن ایمان به روز آخرت امور ذیل نیز شامل آن می‌گردد:

ایمان به مرگ و امتحان در قبر، عذاب و نعمت در قبر، بیرون آمدن از قبرها بعد از نفخ در صور توسط اسرافیل، مواقف روز قیامت و حالات هولناک آن روز، باز کردن نامه‌های اعمال، ترازوی اعمال، پل صراط، و حوض کوثر و شفاعت، جنت و نعمت‌های آن، دزوخ و عذاب و شکنجه‌های

آن، دیدار خداوند در جنت و محروم شدن اهل دوزخ ازین نعمت بزرگ، جاویدان بودن اهل جنت در جنت و اهل دوزخ در دوزخ.

س ۴۴:- آیا به وقوع پیوستن قیامت را کسی می‌داند؟

ج :- نه، آمدن قیامت را جز خداوند کسی دیگر نمی‌داند، نه ملائکه و نه جن و نه انسان.

س ۴۵:- علامات و نشانه‌های که قبل از روز قیامت آشکار می‌گردد کدام‌ها اند؟

ج :- علامات روز قیامت به دو دسته تقسیم می‌گردد:

۱- علامات خورد ۲- علامات بزرگ

۱:- علامات خورد (صغری) که اکثر آن واقع شده است ما عمده‌ترین آنرا بطور مختصر ذکر می‌کنیم:

۱- بعثت و وفات پیامبر گرامی ما ﷺ.

۲- فتح بیت المقدس.

۳- زیادی مال و ثروت.

۴- ظهور فتنه‌ها از جانب مشرق زمین.

۵- شهادت عثمان رضی الله عنه.

۶- جنگ‌های جمل و صفین.

۷- ظهور خوارج.

۸- پیروی از امت گذشته «یهود و نصاری».

۹- ظهور مدعیان نبوت.

۱۰- آسایش در زندگی.

۱۱- بیرون آمدن آتش از سر زمین حجاز.

۱۲- خیانت در امانت.

۱۳- زنا کاری و سود خواری.

- ۱۴- زیاد شدن پولیس و همکاران ظالمان.
- ۱۵- ظهور جهل و نادانی و قلت علماء.
- ۱۶- شنیدن ساز و سرود و شراب خواری.
- ۱۷- مزین ساختن مساجد و افتخار به آن.
- ۱۸- بنا نمودن خانه‌های بلند.
- ۱۹- قتل و کشته شدن بی‌مورد.
- ۲۰- نزدیکی سال و ماه و هفته.
- ۲۱- نزدیکی بازارها.
- ۲۲- ظهور شرک در امت محمد ﷺ.
- ۲۳- ظهور فواحش و قطع صلہ رحمی و بدی با همسایگان.
- ۲۴- مردان و زنان پیر، خویش را جوان جلوه دادن.
- ۲۵- زلزله‌های پی در پی.
- ۲۶- پاره شدن زمین.
- ۲۷- مسخ شدن بعضی انسان‌ها.
- ۲۸- رفتن مردم نیک.
- ۲۹- ظهور زنان برهنه.
- ۳۰- صدق نمودن خواب‌های مؤمنان.
- ۳۱- بی‌پروائی و بی‌رغبتی در امور دین.
- ۳۲- دروغ‌گویی و شاهی دادن به ناحق.
- ۳۳- مرگ‌های بی‌سبب و ناگهانی.
- ۳۴- زیاد شدن زنان و کم شدن مردان.
- ۳۵- ذلت و خواری و ضعف مسلمانان.
- ۳۶- جنگ با یهود.
- ۳۷- مدینه مردمان بد را نفی می‌کند.

۳۸- وزیدن بادیکه روح مؤمنان را به آسانی قبض می کند.

۳۹- ویران شدن خانه‌ی خدا.

۲:- علامات بزرگ (کبری) که هنوز بوقوع نیبوسته است ما بطور مختصر آنرا ذکر می کنیم:

۱- ظاهر شدن مهدی علیه السلام

۲- ظهور دجال.

۳- نزول عیسی علیه السلام به زمین.

۴- خروج یاجوج و ماجوج.

۵- چاک شدن زمین در سه جهت، در شرق و غرب و جزیره العرب.

۶- آشکار شدن دود بزرگ.

۷- طلوع آفتاب از مغرب.

۸- خارج شدن دابه (حیوان) از زمین که بر جبین‌ها مهر کفر و ایمان را می زند.

۹- ظهور آتش از یمن که مردم را بسوی سرزمین شام سوق می دهد.

س ۴۶:- روز قیامت چه مراحل دارد و از کجا آغاز می گردد؟

ج :- مرگ اولین مرحله و نقطه‌ی آغاز روز قیامت می باشد چنانکه

آن حضرت صلی الله علیه و آله فرموده اند: «هر شخصی که می میرد قیامت وی برپا شده است.»

دومین مرحله‌ی قیامت همانا گذاشتن مرده در قبر است، هنگامی که انسان در بستر خاک آرام گرفت و تشییع کنندگان باز گشتند، صدای پاهای آنان را می شنود، سپس دو فرشته‌ی خوفناک او را نشستاده سه سوال از وی می کنند:

۱:- پروردگار تو کیست؟ ۲:- دین تو چیست؟ ۳:- پیامبرت کیست؟

اگر شخص مؤمن باشد خداوند او را ثابت قدم می‌دارد و جواب صحیح به وی الهام می‌کند، و اگر کافر و بدکار بود، به هیچ وجه نمی‌تواند جواب فرشتگان را بدهد، اگر چه در دنیا آنرا می‌دانست. شخص مؤمن در قبرش خوشبخت شده جای خویش را در بهشت مشاهده می‌کند، و قبرش گشاده شده خوش بویی بهشت به مشامش می‌رسد.

اما شخص کافر و بد عمل بد بخت شده جایگاه خود را در دوزخ مشاهده می‌کند، قبر نیز بر او فشار آورده تا اینکه استخوان‌هایش درهم می‌پیچد و قبرش به گودالی از گودال‌های آتش مبدل می‌گردد و از بدبویی‌ها و گرمی دوزخ به وی می‌رسد.

پس بدان که قبرباغی از باغ‌های بهشت، یا گودالی از گودال‌های دوزخ است.

سومین مرحله قیامت آنست، هنگامی که اسرافیل بوق را بصدا در آورده تمام موجودات زنده بیهوش شده می‌میرند، سپس این زمین به زمین دیگر تبدیل شده آسمان‌ها تکه و پاره می‌شود، آفتاب، مهتاب، و ستارگان به هم ریخته نظام کائنات از بین می‌رود، خداوند این روز وحشتناک را چنین توصیف می‌فرماید:

﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْحَةً وَاحِدَةً ۗ وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً ۗ فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۗ وَانْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ﴾ [الحاقة: ۱۳-۱۶].

ترجمه: «هنگامی که یک دم در صور دمیده شود و زمین و کوه‌ها از جا برداشته شود و یکباره درهم کوبیده و متلاشی گردند پس آن روز واقعه‌ی بزرگ رخ می‌دهد و آسمان از هم می‌شکافد و در آن روز سست و نا استوار می‌گردد».

برای بار دوم اسرافیل در بوق دمیده همه مردم از قبرها بر خاسته زنده می‌شوند، خداوند می‌فرماید: ﴿ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾ [الزمر: ۶۸].

ترجمه: «سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود، بناگاه همگی بپا می‌خیزند و می‌نگرند».

در این هنگام مردم سراسیمه، برهنه، و ختنه ناشده (مانند روزیکه از مادر دنیا آمده‌اند) از قبرهای‌شان بر می‌خیزند، و از شدت و سختی آتروز هیچ کسی به دیگری نگاه نمی‌کند، در آن روز انسان از برادر، پدر، مادر، زن و فرزندان‌ش می‌گریزد، چون هر کدام از آن‌ها وضعی دارد که او را کاملاً به خود مشغول می‌سازد.

آفتاب با آن شدت حرارتش به آن‌ها نزدیک شده از تمامی بدن آن‌ها عرق سرازیر می‌شود، هر که بقدر اعمالش در عرق می‌باشد، کسانی هستند که عرق تا بجلک پایش رسیده، کسانی تا زانو، کسانی تا کمر، و کسانی تا دهانشان در عرق غرق هستند.

یکی از مراحل قیامت حساب و محاسبه است، بعد از اینکه مدت طولانی را در ترس و وحشت به سر بردند پیامبر گرامی محمد ﷺ برای پایان یافتن این وضع هولناک شفاعت می‌کند سپس خداوند برای محاسبه دستور می‌دهد، خداوند می‌فرماید:

﴿وَقَفُّوهُمْ ۖ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾ [الصافات: ۲۴].

ترجمه: «آنان را نگاه دارید که باید باز پرسى شوند».

چنانکه می‌فرماید: ﴿يَوْمَ يَذُورُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لَّيْرُوا أَعْمَلَهُمْ ۖ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ۗ ﴿٧﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ۗ ﴿٨﴾ [الزلزلة:

ترجمه: «در آن روز، مردمان دسته دسته و پراکنده بیرون می آیند تا اعمال شان به آنان نشان داده شود پس هر کس به اندازه‌ی ذره‌ای کار نیکو کرده باشد آن را می بیند و هر کس به اندازه‌ی ذره‌ای کار بد کرده باشد آنرا خواهد دید».

یکی از مراحل قیامت تقسیم نامه‌های اعمال است، مؤمن نامه‌ی اعمال خود را بادست راست و کافر با دست چپ تسلیم می‌شود، خداوند عز و جل چنین می‌فرماید:

﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وِ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَآؤُمُ اقْرَءُوا كِتَابِيَهٗ﴾ [الحاقة: ۱۹].

ترجمه: «و اما هر کسی که نامه‌ی اعمالش به دست راست او داده شود می‌گوید نامه‌ی اعمال مرا بگیرید و بخوانید».

﴿وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وِ شِمَالِهٖ فَيَقُولُ يَلِيَّتَنِي لَمْ أُوتِ كِتَابِيَهٗ﴾ [الحاقة: ۲۵].

ترجمه: «و اما کسی که نامه‌ی اعمالش به دست چپش داده شود، می‌گوید: ای کاش هرگز نامه‌ی اعمالم به من داده نمی‌شد!».

یکی از مراحل قیامت گذاشتن ترازو برای وزن اعمال بندگان است خداوند می‌فرماید: ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَمَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا﴾ [الأنبياء: ۴۷].

ترجمه: «و ما ترازوی عدل را در روز قیامت خواهیم نهاد، و اصلاً به هیچ کسی کمترین ستمی نمی‌شود».

س ۴۷: - پل صراط چیست؟

ج - بعد از تمام شدن حساب و تسلیم شدن عمل نامه‌ها، پلی بر روی جهنم نهاده شده (پل صراط) که از مو باریک و از شمشیر تیزتر است، سپس مردمان از آن عبور می‌کنند.

پیامبر ﷺ در مورد پل صراط چنین می‌فرمایند: «روز قیامت پلی آورده شده بر روی جهنم نصب می‌گردد، آن پل جای لغزیدن و افتیدن است که در اطرافش چنگک‌های آهنین تیز و نوکدار و پهن نصب است، مؤمنان از بالای آن با این کیفیت عبور می‌کنند: بعضی‌ها مانند برق و باد به سرعت از آن می‌گذرند، بعضی‌ها مانند اسب سواران و شتر سواران از آن عبور می‌کنند.

عبور کنندگان سه گروه‌اند: کسانی‌اند که سالم و بدون خطر از آن می‌گذرند، کسانی دیگر‌اند که در وقت عبور، زخم و جراحت می‌یابند، گروه دیگر کسانی‌اند که هنگام عبور از پل در جهنم می‌افتند، آخرین مردمانی که نصیب‌شان نجات است، کشان کشان از پل می‌گذرند، ابو سعید خدری رضی الله عنه راوی حدیث می‌گوید، به من خبر رسیده است که پل صراط باریکتر از مو و تیزتر از شمشیر است» بخشی از حدیث متفق علیه.

س ۴۸: - در مورد حوض کوثر معلومات دهید.

ج - حوض کوثر یکی از نعمت‌های بزرگی خداوند است که در آخرت به آن حضرت صلی الله علیه و آله عطاء می‌گردد، سپس امت پیامبر صلی الله علیه و آله در آن وارد می‌شوند، پیاله‌های آن به اندازه‌ی تعداد ستارگان آسمان است، آن حضرت صلی الله علیه و آله با دست شریفش به امتیانش جامی از آب این حوض می‌دهند و هر که از آن بنوشد هرگز تشنه نمی‌شود، آب آن سفیدتر از شیر و از عسل لذیذتر است، لکن کسانی هستند که از این نعمت بزرگ محروم می‌شوند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسانی از میان وارد شدگان بیرون کرده می‌شوند، من می‌گویم او از امت من است! به من گفته می‌شود، تو آگاهی

نداری که این شخص بعد از تو چه بدعتی را انجام داده است» برگرفته از حدیث انس نزد ترمذی.

س ۴۹:- چگونه به جنت و دوزخ ایمان داشته باشیم؟

ج :- مسلمان باید یقین کامل داشته باشد که جنت و دوزخ فعلاً موجود است، و باور داشته باشد که جنت با نعمت‌های فراوان و بی‌پایانش و دوزخ با عذاب و شکنجه‌های درد ناکش همیشه و جاویدان‌اند و هرگز فنا نمی‌شوند.

پیامبر ﷺ در نمازهای نیمه شب با خداوند اینچنین راز و نیاز می‌کردند: «خداوند! تراست ثنا و ستایش، تو حقی و وعده‌ی تو حق است، دیدار تو حق است و گفته‌ی تو حق است، جنت و دوزخ تو حق است و پیامبران به شمول محمد ﷺ حق‌اند و روز رستاخیز حق است». متفق علیه

س ۵۰:- آیا اهل بهشت پروردگارشان را می‌بینند؟

ج :- آری! چنانکه خداوند فرموده است: ﴿لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ﴾ [یونس: ۲۶].

ترجمه: «کسانی که کارهای نیکو انجام دادند - بهشت - از ایشان است و افزون (نگاه به خداوند)».

س ۵۱:- لطفاً در باره‌ی شفاعت معلومات دهید.

ج :- شفاعت از جمله‌ی امور اعتقادی مسلمانان بشمار می‌رود، خداوند متعال در آیات زیاد شفاعت را با قیود و شرایط سخت و سنگین ثابت نموده آنرا ملک خود و در اختیار خود قرار داده است، چنانکه می‌فرماید:

﴿يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا﴾

[طه: ۱۰۹].

ترجمه: «در آن روز شفاعت - هیچکسی سودی نمی‌بخشد، مگر کسی که خداوند مهربان به او اجازه دهد و گفتارش را بپسندد».

شفاعت تنها از بندگان صالح و نیک الله ﷻ پذیرفته می‌شود، بندگان نیک و صالح او کسانی‌اند که الله تعالی از آن‌ها راضی و خوشنود باشد.

س ۵۲: - شفاعت چند نوع است؟

ج -: شفاعت شش نوع بوده که آنرا مختصراً بیان می‌کنیم:

شفاعت عظمی که مخصوص پیامبر ما محمد ﷺ است هنگامی که از خداوند می‌خواهد تا قضا و محاسبه در میان بندگان را آغاز نماید.

شفاعت بخاطر کشودن دروازه‌ی جنت که این هم مخصوص پیامبر گرامی ما محمد ﷺ است و اولین امتی که داخل بهشت می‌شود امت اوست.

شفاعت در مورد کسانی که مسیر شان به دوزخ تعیین شده است.

شفاعت در باره‌ی یکتا پرستانی که وارد دوزخ شده‌اند لیکن توسط شفاعت از دوزخ بیرون آورده می‌شوند.

شفاعت بخاطر بلند شدن مرتبه و منزلت جنتیان.

شفاعت بخاطر کم کردن عذاب از بعضی کافران که این شفاعت خاص به پیامبر ﷺ است، آن حضرت ﷺ در باره‌ی کاکای شان ابو طالب شفاعت می‌نمایند و پذیرفته می‌شود.

س ۵۳: - آیا زندگی دوزخیان و بهشتیان جاودانه و دایمی است؟

ج -: بلی! بهشتیان و دوزخیان با جسد و روح‌شان بطور جاویدان و ابدی زندگی نموده مرگ وجود ندارد چنانکه در حدیث شریف آمده است: «روز قیامت مرگ بشکل قچی آورده شده سپس فرشتگان بهشتیان را صدا می‌زنند، همه نگاه می‌کنند، به آن‌ها گفته می‌شود این را می‌شناسید؟

همه می‌گویند: بلی، مرگ است، همچنین فرشتگان اهل دوزخ را صدا می‌زنند آن‌ها نیز نگاه می‌کنند، بعد از آن مرگ را ذبح می‌کنند، سپس به بهشتیان گفته می‌شود این زندگی جاودانه است و مرگی نیست، در نتیجه آن‌ها خیلی خوشحال می‌شوند، و به دوزخیان گفته می‌شود این زندگی جاودانه است و مرگی نیست، در نتیجه به غم و اندوه و ناراحتی آن‌ها افزوده می‌گردد». نزد بخاری

س ۵۴:- اگر کسی از زنده شدن بعد از مرگ انکار کند چه حکم دارد؟
ج :- اگر کسی از زنده شدن بعد از مرگ انکار کند کافر است و جایگاهش دوزخ خواهد شد، خداوند درین مورد از زبان کافران حکایت می‌کند:

﴿زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَشُبَعْنٌ ثُمَّ لَسْتَبُؤْنَ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿۷﴾﴾ [التغابن: ۷].

ترجمه: «کافران می‌پندارند که هرگز زنده و برانگیخته نخواهند گردید! بگو: چنین نیست که می‌پندارید، به پروردگارم سوگند! زنده و برانگیخته خواهید شد و سپس از آن چیزهای که می‌کرده‌اید با خبرتان خواهند کرد، و این کار برای خداوند ساده و آسان است».

س ۵۵:- ایمان به قدر «تقدیر» چیست؟

ج :- ایمان به قدر یکی از اصول و ارکان ایمان بشمار می‌رود، مسلمان باید یقین کامل داشته باشد که تقدیر خیر و شر از جانب خداوند است و اگر مصیبتی بر او برسد، آنرا متحمل شود و ابراز رضایت نماید و به اراده‌ی خداوندی تن در دهد و بداند که مصیبت و آسیب از روی تصادف نبوده بلکه قبلاً فیصله شده است، هیچ چیزی در کائنات خارج تقدیر نبوده در لوح محفوظ نوشته شده است، اعمال بندگان خیر یا شر به اراده‌ی خداوند

صورت می‌گیرد، با آن هم خداوند آنان را اختیار و اراده داده است و در هیچ عملی آنان را مجبور نساخته است لذا خداوند بندگان خود را امر و نهی نموده است و راه خیر و شر را به آنان واضح و بیان کرده است.

س ۵۶: - لطفاً در مورد تقدیر معلومات بیشتر بدهید؟

ج: - ایمان به قدر مشتمل بر چهار مرتبه است:

اول: - مؤمن باید باور و یقین داشته باشد که علم خداوند بر همه چیز احاطه کرده است و هیچ چیزی در این عالم از دایره‌ی علم او بیرون نیست، خداوند قبل از آفریدن کائنات بر همه‌ی آن‌ها علم و آگاهی داشت، اعمال، کردار، روزی، اجل، و حرکات آن‌ها، اهل جنت و دوزخ به او معلوم بود.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ [الطلاق: ۱۲].

ترجمه: «و آگاهی او همه چیز را فرا گرفته است».

دوم: - مؤمن باید اعتقاد جازم داشته باشد که خداوند قبل از آفریدن خلایق و کائنات، همه چیز را نوشته بود، چنانکه پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «خداوند متعال پنجاه هزار سال قبل از پیدایش آسمان‌ها و زمین، تقدیر مخلوقات را نوشته بود، «قبل از آن» عرشش بر بالای آب بود». نزد مسلم و احمد.

سوم: - مؤمن ایمان داشته باشد که اراده و خواست خداوند نافذ و قدرت او بر همه چیز است، همه حوادث و وقایع به اراده و قدرت او واقع شده و می‌شود، آنچه را خداوند بخواهد پدید می‌آید و آن چیزی را که نخواهد پدید نمی‌آید، خداوند می‌فرماید: ﴿وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾ [إبراهیم: ۲۷].

ترجمه: «و خداوند هر چه بخواهد انجام می‌دهد» همچنان می‌فرماید:

﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾ [الإنسان: ۳۰].

ترجمه: «شما نمی‌توانید، بخواهید، مگر اینکه خدا بخواهد».

چهارم: - مؤمن باید ایمان داشته باشد که الله ﷻ آفریدگار همه چیز است، همه چیز خورد و بزرگ را آفریده است و بر همه چیز قادر است، چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿قُلِ اللَّهُ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ﴾ [الرعد: ۱۶].

ترجمه: «بگو: خدا آفریننده‌ی همه چیزها است».

س ۵۷: - شخصی می‌گوید: من بر آنچه که در مورد در ازل و لوح محفوظ نوشته شده است اعتماد و اکتفاء نموده عملی انجام نمی‌دهم، جوابش درین مورد چیست؟

ج: - هر مسلمان مکلف است به انجام اعمال نیک مبادرت و رزیده و از اعمال بد بپرهیزد، حدیث ذیل جواب قناعت بخشی برای چنین اشخاص است.

از علی رضی الله عنه روایت شده که گفت: ما در جنازه‌ی در بقیع حضور داشتیم و رسول الله صلی الله علیه و آله آمده و نشست و ما به اطرافشان نشستیم در دست‌شان عصایی بود، سپس سر شان را به زیر انداخته و با عصایی که سرش کج بود بزمین زده و فرمودند: «هیچ کدام از شما نیست مگر اینکه جایش از جهنم و بهشت نوشته شده است، گفتند: یا رسول الله آیا بر نوشته‌ی ما در «لوح محفوظ» اعتماد نکنیم؟ فرمود: عمل کنید زیرا برای هرکس آنچه که برای آن آفریده شده است، آماده گشته» متفق علیه.

همچنین آن حضرت صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «آفرینش یکی از شما در رحم مادر برای چهل روز بصورت نطفه باقی می‌ماند و بعد از آن مثل همین مدت چهل روز به خون بسته تبدیل می‌گردد، مثل همین مدت هم چهل روز به گوشت پاره مبدل می‌گردد، سپس فرشته‌ی فرستاده شده و در وی روح می‌دمد و به چهار چیز دستور داده می‌شود تا بنویسد: به نوشتن روزی‌اش، اجلش، عملش، و اینکه نیکبخت است یا بدبخت، پس سوگند به خدایی که معبود بر

حقی بجز او نیست، همانا یکی از شما عمل اهل بهشت را انجام می‌دهد که میان او و بهشت جز گزی «فاصله» نمی‌ماند ولی نوشته «لوح محفوظ» بر وی سبقت می‌جوید و وی عمل اهل دوزخ را انجام داده به دوزخ داخل می‌گردد، و همانا یکی از شما عمل اهل دوزخ را انجام می‌دهد که میان او و دوزخ جز گزی نمی‌ماند ولی نوشته «لوح محفوظ» بر وی سبقت جسته و وی عمل اهل بهشت را انجام داده و به آن داخل می‌گردد». متفق علیه این حدیث قدر را ثابت می‌کند و اینکه هر آنچه در جهان است از سود و زیان به قضا و قدر خداوند است.

همچنان این حدیث می‌رساند که ارزش کارها و اعتبار آن به خاتمه است و نباید به ظاهر اعمال اعتماد شود، چنانکه نباید انسان به اعمال نیکش فریفته و مغرور گردد.

مؤمن باید ایمان و یقین کامل داشته باشد که آفریننده‌ی خیر و شر الله ﷻ است و به اوامر و نواهی شریعت پابندی داشته باشد و احکام الله را در آشکار و پنهان بر خود حاکم بداند، و با تکیه به تقدیر از عمل شانه خالی نکند.

و بداند که هدایت و گمراهی همگی بدست الله است، ثواب و عقاب بر اساس پیروی از شریعت و تخلف از آن است، نه بر اساس تقدیر، نباید در وقت مصیبت خود را به تقدیر حواله دهد و هرگاه به کار خوب و نیک توفیق یافت آن را از کمال خود نداند بلکه بگوید که همه از احسان و نیکی خداوند است، به لغزش‌های خود اعتراف نموده بلا فاصله از خداوند طلب مغفرت خواسته به او رجوع کند.

س ۵۸: - اموری که مسلمان را از دایره‌ی اسلام خارج ساخته و ایمانش را نقض می‌کند چیست؟

ج - : - اموریکه مسلمان را از دایره‌ی اسلام خارج نموده ایمانش را نقض می‌کند قرار ذیل است:

۱- شریک قرار دادن با خداوند متعال در عبادت، مانند: غیر از خدا خواستن، یا به مخلوقی امید کردن یا از وی ترسیدن، یا دوستی با مخلوق مانند محبت با خداوند و یا بیشتر از آن، یا شباهت دادن مخلوقی با خالق، و یا اینکه عبادتی برای غیر الله تعالی اداء گردد مانند قربانی، نذر و غیره، و اینگونه اشخاص مشرک بوده داخل شدن جنت بر آنها حرام است و دوزخ جایگاه ابدی شان خواهد بود خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ [المائدة: ۲۷].

ترجمه: «بیگمان هر کس شریکی برای خدا قرار دهد، خدا بهشت را بر او حرام کرده است و جایگاه او آتش است.»

۲- کسی که میان خود و پروردگارش واسطه‌ای را قرار داده از آنها شفاعت می‌طلبد یا بر آنها توکل می‌نماید، به اجماع امت اسلامی کافر است.

۳- کسی که مشرکان و کافران را کافر نگوید یا در کفر آنان شک کند و یا اینکه راه، روش و مفکوره‌ی آنان را صحیح گفته و بهتر بداند، کافر است.

۴- کسی که معتقد باشد اینکه راه و روش و مفکوره‌های دیگران بهتر و کاملتر از هدایات و رهنمودهای پیامبر گرامی محمد ﷺ است یا حکم آنان را بر حکم پیامبر ﷺ ترجیح داده آنها صحیح بخواند کافر

است، مانند کسانی که حکم طاغوت‌ها و مستکبران روی زمین را بهتر از اسلام میدانند.

۵- کسی که با رهنمود و اوامر پیامبر ﷺ بغض و کینه می‌ورزد هر چند به آن عمل کند، کافر است چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهُ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَلَهُمْ

﴿۲۸﴾ [محمد: ۲۸].

ترجمه: «بدان خاطر است که آنان بدنبال چیزی می‌روند که خدای را بر سر خشم می‌آورد، و از چیزی که موجب خوشنودی او است ناپسندی می‌کنند».

۶- کسی که به امری از امور دین اسلام توهین کند یا به آن تمسخر کند

کافر است، خداوند در مورد چنین اشخاص می‌فرماید: ﴿قُلْ أَبِاللَّهِ وَعَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ ﴿۱۵﴾ لَا تَعْتَدُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ

إِيمَانِكُمْ ﴿[التوبة: ۶۵-۶۶].

ترجمه: «بگو: آیا به خداوند و آیات او و پیغمبرش بازی و شوخی می‌کردید؟! عذر خواهی نکنید، شما پس از ایمان آوردن کافر شده‌اید».

۷- کسی که جادو کند و یا به آن راضی شود کافر است مانند اختلاف

افگنی میان دو دوست و یا نزدیک سازی میان دو شخص توسط

جادو، خداوند در مورد کفر جادوگران چنین می‌فرماید: ﴿وَمَا

يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا حُنُّ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ ﴿[البقرة: ۱۰۲].

ترجمه: «آندو فرشته- به هیچ کس چیزی نمی‌آموختند، مگر اینکه

پیشاپیش به او می‌گفتند: ما وسیله‌ی آزمایش هستیم کافر نشو».

۸- کسی که در برابر مسلمانان باکفار کمک و همکاری نموده و از آن‌ها پشتیبانی می‌کند کافر است خداوند در مورد چنین مردمان می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾

[المائدة: ۵۱].

ترجمه: «هر کس از شما با ایشان (یهود و نصاری) دوستی ورزد بیگمان او از زمره‌ی ایشان به شمار می‌رود، و شک نیست که خداوند افراد ستمگر را هدایت نمی‌کند».

۹- کسی که معتقد باشد اینکه بعضی اشخاص می‌تواند از شریعت محمد ﷺ پا بیرون نهد، پس اینگونه اشخاص کافر می‌باشد خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ

الْخَاسِرِينَ ﴿۸۵﴾ [آل عمران: ۸۵].

ترجمه: «کسی که غیر از اسلام، آئینی برگزیند، از او پذیرفته نمی‌شود، و او در آخرت از زمره‌ی زیانکاران خواهد بود».

۱۰- کسی که از دین خداوند روگرداند، طوریکه نه آنرا می‌آموزد و نه به آن عمل می‌کند، کافر است خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ

مُنْتَقِمُونَ ﴿۲۲﴾ [السجدة: ۲۲].

ترجمه: «چه کسی ستمکارتر از آن کسی است که به آیات پروردگارش پند داده شود، و او از آن‌ها روی بگرداند؟ مسلماً ما از گناه کاران انتقام گیرنده‌ایم».

۱۱- کسی که ادعای علم غیب کند کافر است مانند فال بینان، جادوگران کف شناسان و نجومیان و هر کسی که سخن از امور غیبی زند، بجز پیامبران خداوند که احیاناً به اذن خداوند و حکمت و مصلحتی که در آن نهفته است از امور غیبی آگاهی می‌دهند. خداوند می‌فرماید:

﴿عَلِمَ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا ﴿۳۶﴾ إِلَّا مَن أَرْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْأَلُكُم مِّن بَيْن يَدَيْهِ وَمِن خَلْفِهِ رَضًا ﴿۳۷﴾﴾ [الجن: ۲۶-۲۷].

ترجمه: «داننده‌ی غیب خدا است، و هیچکس را برغیب خود آگاه نمیسازد مگر پیغمبری که خدا از او خوشنود باشد، خدا محافظان و نگهبانانی در پیش و پس او روان می‌دارد».

غیب‌گویان دوستان شیاطین‌اند، زیرا شیاطین برای آنان وحی می‌کند چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَآئِهِمْ لِيُجِدُوا لَكُمْ وَإِن أَطَعْتُمْهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ﴾ [الأنعام: ۱۲۱].

ترجمه: «بیگمان شیاطین مطالب وسوسه‌انگیزی به دوستان خود القاء می‌کنند تا با شما منازعه و مجادله کنند، اگر از آنان اطاعت کنید، بیگمان شما (مثل ایشان) مشرک خواهید بود».

همچنان پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد آنان می‌فرماید: «هنگامی که خداوند تعالی در عالم بالا در مورد چیزی امر صادر نماید، فرشتگان یکدیگر را از آن خبر می‌دهند، درین حالت شیاطین که یکی بر بالای دیگر قرار دارند تا به جایی برسند که سخن فرشتگان را بشنوند، گاهی این سخن را می‌شنود و گاهی می‌شود که شهاب ثاقب «پاره‌ی آسمانی» به او اصابت می‌کند، وقتی خبری را شنیدند آنرا از بالا برای شیاطین پائین انتقال می‌دهند تا اینکه سخنی را

که شنیده‌اند برای جادوگران و فال بینان زمین برسانند، جادوگران و فال بینان با آن سخنی که شنیده‌اند، صد دروغ را یکجا نموده به مردم خبر می‌دهند...». بر گرفته از حدیث بخاری.

س ۵۹:- تصدیق نمودن جادوگران، فال بینان و شعبده بازان چه حکم دارد؟

ج :- هرکه سخن جادوگران، کاهنان (فال بینان) و شعبده بازان را تصدیق نماید شریعت اسلام آنان را کافر خوانده است پیامبر ﷺ در این مورد چنین می‌فرماید: «اگر کسی نزد فال بینی برود و او را در سخنی که می‌گوید (در امور غیب) تصدیق نماید، بی‌گمان به آنچه که بر محمد ﷺ نازل شده است، کافر شده است». نزد ابو داود.

س ۶۰:- شریعت اسلام در مورد علم نجوم و منجمانی که با استدلال به امور فلکی حوادث و پیش‌آمدهای جهان را پیش بینی می‌کنند چه حکم می‌کند؟

ج :- اول باید بدانیم که خداوند ستارگان (نجوم) را بخاطر سه مقصد آفریده است چنانکه آیات قرآن آنرا واضح ساخته است:

۱- بخاطر زیبایی و درخشان ساختن آسمان.

۲- بخاطر راندن شیاطین.

۳- بخاطر راه‌یابی مسافران شب.

و هر که غیر از آنچه ذکر شد، خلقت ستارگان را تفسیر و توجیه می‌کند، مرتکب خطای بزرگ شده و خود را در زمره‌ی جادوگران و فال بینان قرار داده‌است.

پیامبر گرامی ما ﷺ در مورد علم نجوم و پیشه وران آن چنین می‌فرماید: «کسی که از ستارگان علمی را فرا گیرد در حقیقت شاخه‌ی از

سحر (جادو) را آموخته است، به هر پیمانه‌ی که از آن (علم ستاره شناسی) بیاموزد، بهمان پیمانه گویا از سحر آموخته است». نزد ابو داود.

س ۶۱:- چگونه جادو یا طلسم را باز کنیم؟

ج :- باز کردن جادو به دو قسم است: ۱:- مشروع ۲:- ممنوع

۱- باز کردن جادو از راه مشروع اینست که با آیات قرآنی و دعاها

وارد از پیامبر صلی الله علیه و آله و یا دواهای مجرب نزد اطباء صورت گیرد.

۲- اما درهم شکستن و بازکردن جادو از راه ممنوع اینست که توسط

جادوگر صورت گیرد و اینکار انسان را بسوی شرک و کفر می کشاند،

زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد سحر گشایی سوال شدند، در جواب

فرمودند:

«اینکار از عمل شیطان است» نزد احمد و ابی داود.

علت ممنوع بودن این نوع آنست که جادوگر دومی به جنیات خود روی

آورده از آنها می خواهد تا جادوی اولی را از بین ببرند، به این ترتیب

جادوی اولی و دومی هردو بواسطه‌ی شرک آوردن به الله صورت می گیرد،

مانند شخصی که می خواهد نجاست را بانجاست پاک کند.

س ۶۲:- سزای جادوگر چیست؟

ج :- سزای جادوگر اینست که کشته شود، چنانکه از آن حضرت صلی الله علیه و آله

ثابت است:

«سزای جادوگر اینست که گردنش با شمشیر زده شود» نزد ترمذی.

س ۶۳:- فال چیست و چند نوع دارد؟

ج :- فال اینست که انسان موفقیت و یا عدم موفقیت کار خود را

مرتبط به حوادث یا رویدادها بداند که این عقیده از جمله‌ی شرک اصغر

محسوب می شود.

فال به دو نوع تقسیم می گردد: ۱:- فال نیک ۲:- فال بد

۱- فال نیک آنست که در قلب انسان خوشی و امیدواری پدید می‌آید و اینکار باعث اعتماد و گمان نیک به خداوند می‌گردد، پیامبر ﷺ در مورد فال نیک می‌فرمایند: «از فال نیک خوشم می‌آید، اصحاب کرام گفتند فال چیست؟ آن حضرت ﷺ فرمودند: سخن نیک» نزد بخاری.

۲- فال بد آنست که انسان تصمیم و انجام کارها یا خودداری از آن را به اساس فال بد پی ریزی نماید که این عمل شرک به الله تعالی و منافی کمال یگانه پرستی است، چنانکه اینکار از صفات مشرکین و دشمنان پیامبر ﷺ می‌باشد خداوند می‌فرماید: ﴿أَلَا إِنَّمَا طَبَّرَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [الأعراف: ۱۳۱].

ترجمه: «آگاه باش که فال بد ایشان تنها از جانب خدا بوده است لیکن اکثر آنان نمی‌دانستند».

همچنان پیامبر ﷺ درین مورد می‌فرمایند: «بد فالی شرک است» نزد احمد و این سخن را دو بار تکرار نمودند.

س ۶۴: - چگونه از بد فالی خودداری نمائیم؟

ج: - مسلمان باید به این عقیده باشد که نفع و ضرریکه عاید حالش می‌شود به قضاء و قدر خداوند صورت گرفته است و هیچ رویداد و حادثه‌ی در جلب منفعت و یا دفع ضرر تأثیر ندارد، اتکاء و توکلش باید فقط به توانایی و قدرت و اراده‌ی خداوند باشد، و اگر بدفالی در قلبش پدید آید باید به ارشادات نبوی عمل کند، پیامبر ﷺ در مورد کفاره‌ی آن چنین می‌فرمایند: «شخصی که بنا بر بد فالی از تصمیمش منصرف شود، در حقیقت او به الله شریک آورده است، اصحاب کرام پرسیدند: پس کفاره‌ی آن چیست؟ فرمود: اگر چنین اشتباه از کسی سر زند باید بگوید: ای الله! خوبی و نیکی

از جانب تو است و جز فال (نیک) تو دیگر فال (نیک) وجود ندارد، زیرا جز تو معبودی نیست» نزد احمد.

س ۶۵:- معنای شرک چیست و بر چند نوع است؟

ج :- شرک بمعنای شریک قرار دادن با خداوند تعالی در آفرینش و پرستش است مانند: غیر از خداوند چیزی بخواهد که در مقدور بنده نیست، یا غیر از خدا رحمت بطلبد، یا غیر از خدا ترس و هراس داشته باشد، یا قربانی، نذر، یا عبادتی از عبادات را برای غیر الله انجام دهد، یا مخلوق را با خداوند در خصایص خداوندی همسان قرار دهد.

شرک دو نوع است: ۱:- شرک اکبر ۲:- شرک اصغر

۱- شرک اکبر آنست که نوعی از عبادات برای غیر خداوند بجا آورده شود و آن را با آفریدگار جهان مساوی و همتا بدانند، مانند: خواستن مطالب و حاجات در دعا غیر از الله، یا طوریکه از الله می ترسد از آن بترسد یا در وقت خوف به غیر الله پناه ببرد، در وقت مشکلات و مصایب غیر الله را خوانده از او بیم و امید داشته باشد و بر او توکل و اعتماد کند مانند بر آورده کردن نیازمندی‌ها، و آسان کردن سختی‌ها چنانکه امروز در اطراف بسیاری از قبرها و زیارتگاه‌ها صورت می گیرد.

این نوع شرک مسلمان را از دایره‌ی اسلام خارج ساخته جایگاه ابدی‌اش دوزخ خواهد بود و اگر قبل از مرگ توبه کند خداوند آمرزنده و مهربان است.

خداوند می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ

لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا ﴿٤٨﴾ [النساء: ۴۸].

ترجمه: «بیگمان خداوند (هرگز) شرک به خود را نمی بخشد، ولی گناهان غیر از آن را از هرکس که خود بخواهد می بخشد، و هر که بخدا شرک ورزد، گناه بزرگی را مرتکب شده است» چنانکه می فرماید:

﴿وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ﴾ [یونس: ۱۸].

ترجمه: «به جای خدا چیزی های را می پرستند که نه با آنان زیان می رساند و نه به آنان سود می رساند».

۲- شرک اصغر عبارت از اقوال و افعالی است که با انجام دادن آن مسلمان به شرک اکبر نزدیک می گردد این نوع شرک را شرک خفی یا پنهان نیز می گویند زیرا اکثراً در نیت و اراده ی بنده راه پیدا می کند، مانند هر عملیکه منظور از آن رضای الله تعالی باشد ولی ریا در آن راه پیدا کند، که متأسفانه بسیاری از مردم به این نوع شرک آغشته اند، خداوند همه ی ما را هدایت عطاء فرماید.

پیامبر گرامی ما صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مورد امتش نگران بود تا مبدا درین دام شیطانی نیفتند چنانکه می فرمایند: «در باره ی شما از همه بیشتر از شرک اصغر بیم دارم از آن حضرت در مورد آن سوال شد، فرمودند: ریا شرک اصغر است» نزد احمد و طبرانی

مثال هایی از شرک اصغر:

۱- شخصی برای ادای نماز می ایستد و بخاطر ریا نماز خود را حسن و زیبایی می بخشد.

- ۲- سوگند خوردن به غیر الله مانند: قسم خوردن به پدران و اجداد، یا قسم به کعبه، قسم به شرف و ناموس، قسم به سر فلان، قسم به سخی، قسم به علی یا عباس، قسم به جان فلان.
- از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که او مردی را شنید که می‌گفت: نه، و سوگند به کعبه، ابن عمر رضی الله عنهما گفت: به غیر خدا سوگند مخور! زیرا از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می‌فرمودند: آنکه به غیر خدا سوگند خورد همانا کافر شده یا شرک آورده است» نزد ترمذی
- ۳- شخصی صدقه می‌دهد تا مردم او را مدح و ستایش کنند.
- ۴- شخصی جهاد می‌کند تا مردم او را شجاع گویند یا بخاطر بدست آوردن مال جهاد می‌کند.
- ۵- شخصی قرآن را با خوش آوازی تلاوت می‌کند تا مردم آنرا شنیده وی را مدح کنند.
- ۶- شخصی به دیگری می‌گوید: «آنچه را که خدا و تو بخواهی» شخصی همچو جمله را در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم استعمال کرد، آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم بطور سرزنش به او گفتند: «آیا مرا با خدا شریک گردانیدی؟ بلکه آنچرا که خداوند خودش بخواهد همان می‌شود» نزد ابوداود.
- ۷- کسی که بخاطر بدست آوردن مال و ثروت حج کند، یا امامت کند، یا علم بیاموزد، یا آذان دهد.
- ۸- شخصی به دیگری می‌گوید: «اگر خدا و شما نمی بودید من در فلان مصیبت دچار می‌شدم» یا چنین می‌گوید: «من جز خداوند و شما کسی دیگر ندارم»، و درست اینست که بگوید: «اگر خدا نمی بود بعد از آن فلان» یا «من جز خداوند بعد از آن خودت...» پس بدانیم که شرک خفی باریکتر از مور سیاهیست که بر سنگ سیاه، در شب

تاریک راه می‌رود، و بحریست که ساحل نداشته نجات یافتگانش کم‌اند. خداوند می‌فرماید:

﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ ۚ أَحَدًا﴾ [الكهف: ۱۱۰].

ترجمه: «پس هرکس خواهان دیدار خدای خویش است، باید که کار شایسته کند، و در پرستش پروردگارش کسی را شریک نسازد».

س ۶۶: - فرق میان شرک اکبر و اصغر چیست؟

ج: - فرق میان شرک اکبر و اصغر در چهار چیز است:

۱- کسی که مرتکب شرک اکبر شود از دین اسلام خارج گردیده و مرتد می‌شود اما شرک اصغر مرتکبش از دین اسلام خارج نگردیده بلکه مرتکب گناه بزرگ می‌گردد.

۲- کسی که مرتکب شرک اکبر شود بطور همیشگی و دایم در دوزخ است اما کسی که مرتکب شرک اصغر شود داخل دوزخ گردیده ولی بطور جاویدان باقی نمی‌ماند.

۳- شرک اکبر همه اعمال نیک مسلمان را محو می‌کند، لیکن شرک اصغر همان عملی را محو می‌کند که ریا و شرک با آن آمیخته شده است.

۴- کسی که مرتکب شرک اکبر می‌گردد خون و مالش مباح می‌شود، لیکن شرک اصغر جان و مالش را مباح نمی‌گرداند.

س ۶۷: - آیا مرده‌ها آواز زنده‌ها را می‌شنوند؟

ج: - مرده‌ها آواز زنده‌ها را نمی‌شنوند خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَى﴾ [النمل: ۸۰].

ترجمه: «بیگمان تو نمی‌توانی مردگان را شنوا بگردانی».

س ۶۸:- آیا از مرده‌های که مردمان نیک و صالح بودند کمک و یاری خواستن جایز است؟

ج :- نه، از مرده‌ها چه انبیاء و چه اولیاء کمک و یاری خواستن جایز نیست زیرا آنان قادر به چنین کاری نیستند، تنها خداوند متعال می‌تواند یار و مددگار بنده باشد و بس، خداوند می‌فرماید:

﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ ﴿٩﴾﴾ [الأنفال: ۹].

ترجمه: «به یاد آورید زمانی را که «در جنگ بدر» از پروردگار خود درخواست کمک و یاری می‌نمودید و او در خواست شما را پذیرفت...»

همچنان پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در دعایش چنین فرمودند: «ای زنده‌وای با تدبیر به رحمتت از تو کمک و یاری می‌خواهیم» نزد ترمذی.

مسلمان همه روزه با خداوند عهد و پیمان می‌بندد که تنها او را پرستش می‌کند و تنها از او کمک و یاری می‌طلبد، سوره‌ی فاتحه گواه این عهد و پیمان است.

﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ ترجمه «تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو

یاری می‌طلبیم». همچنان پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به ابن عباس رضی الله عنهما چنین توصیه نمودند: «ای پسر! خدا را حفظ کن تا ترا حفظ کند، بیاد خدا باش او را در برابرت می‌یابی، اگر چیزی می‌خواهی از خدا بخواه، و اگر یاری می‌جویی از خدا بجو» نزد ترمذی.

س ۶۹:- چه کسانی اولیاء الله‌اند؟

ج :- هر مؤمنی که در طاعت خداوند و پیامبرش صلی الله علیه و آله پابندی و مواظبت داشته از نافرمانی آنان اجتناب ورزد، از جمله‌ی اولیاء الله به شمار می‌رود.

خداوند می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾ [یونس: ۶۳].
ترجمه: «دوستان (اولیاء) خدا آنانی‌اند که ایمان آورده‌اند و پرهیزگاری
پیشه کردند».

س ۷۰: - کرامات اولیاء چیست؟

ج: - کرامات اولیاء عبارت از امر خارق العاده‌ی است که از دوستان
الله تعالی و بندگان نیک و صالحش صادر می‌شود و این عمل به خواست و
اراده‌ی خداوند صورت گرفته، اولیاء در صدور آن هیچ اختیار و دخالتی
ندارند مانند قصه‌ی اصحاب کهف، و قصه‌ی پناه بردن سه نفر به غار و توسل
جستن آنان به اعمال نیک شان تا اینکه دهن غار باز گردید، و مانند کرامات
عمر فاروق هنگامی که از سر منبر نبوی در مدینه به ساریه سر لشکر
مسلمانان در شام صدا زد تا از محاصره‌ی دشمن خود را نجات دهند، و
فرستادن مکتوب وی بنام دریای نیل هنگامی که نامه‌ی او رسید رود نیل
جاری گردید، و این کرامات تا روز قیامت در امت محمد ﷺ دوام خواهد
داشت.

احیاناً اگر بعضی امور خارق العاده از مردمان بی‌تقوا و مخالف با شرع سر
زد باید بدانیم که کرامت نبوده عمل شیطانی و شعبده بازی است.

س ۷۱: - آیا مسلمان ضرورت به واسطه‌ای میان خود و پروردگارش دارد؟

ج: - نه، خداوند به بنده گانش آنقدر نزدیک است که ضرورت به
واسطه‌ی ندارد چنانکه می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ
أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾ [البقرة: ۱۸۶].

ترجمه: «و چون بندگانم از تو در باره‌ی من بپرسند، (بگو): من نزدیکم و
دعای دعا کننده را هنگامی مرا بخواند، قبول می‌کنم» همچنان خداوند در
حدیث قدسی می‌فرماید: «ای بندگانم همه‌ی شما گمراهید جز آنکه او را

هدایت کرده‌ام پس از من هدایت طلبید تا شما را هدایت و رهنمونی کنم، ای بندگانم همه‌ی شما گرسنه‌اید مگر آن را که من روزی دهم پس از من بخواهید تا شما را روزی دهم، ای بندگانم همه‌ی شما برهنگانید مگر کسی را که من بپوشانم پس از من بخواهید تا شما را بپوشانم، ای بندگانم شما شب و روز خطا می‌کنید و من همه‌ی گناهان را می‌آمرزم پس از من آمرزش طلبید تا شما را بیامرزم...». بخشی از حدیث قدسی نزد مسلم.

س ۷۲:- مسلمان با کدام وسیله می‌تواند بخداوند نزدیک گردد؟

ج :- خداوند متعال راه‌های زیادی را برای مسلمانان مهیا کرده است تا به وسیله‌ی آن به وی نزدیک گردیده و رضامندی‌اش را حاصل نمایند خداوند می‌فرماید:

﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ [المائدة: ۳۵].

ترجمه: «و برای تقرب به خدا وسیله بجوئید (که عبارت از طاعت و اعمال شایسته است)».

بعضی از این وسیله‌های که بنده را بخداوند تعالی نزدیک می‌سازد مختصراً بیان می‌داریم:

- ۱- نزدیک شدن بخداوند بوسیله‌ی نام‌ها و صفات خداوند تعالی.
- ۲- نزدیک شدن بخداوند بوسیله‌ی ایمان و اعمال نیک.
- ۳- نزدیک شدن بخداوند بوسیله‌ی دعای مردمان صالح و نیکو کار زنده.
- ۴- نزدیک شدن بخداوند بوسیله‌ی اعتراف کردن گناهان و اظهار عاجزی.

س ۷۳:- تعویذ چیست؟ و آیا بستن آن جایز است؟

ج :- تعویذ عبارت از نوشته‌های است که آنرا پوش کرده بر گردن کودکان و یا بزرگان جهت دفع نظر یا هر آسیبی دیگر آویزان می‌کنند.

تعویذ دو نوع است:

۱- تعویذهای که از آیات قرآن است. ۲- تعویذهای که غیر از آیات قرآن است.

۱- تعویذهای که از آیات قرآن کریم باشد بیشتر علماء آنها ممنوع قرار داده‌اند، و دلیل آنها در این مورد چنین است.

• پیامبر ﷺ از آویزان کردن هر نوع تعویذ و تومار منع کرده است چنانکه فرموده‌اند: «کسی که تعویذ بآویزد همانا شرک ورزیده است». نزد حاکم

• جواز آن راه را بسوی تعویذهای غیر قرآنی باز می‌کند، پس بنا بر مصلحت شرعی این باب را کاملاً مسدود کرده‌اند.

• آویختن این چنین تعویذها توهین به آیات قرآن کریم است زیرا کسی که تعویذ را بر جسمش می‌بندد داخل تشناب و جاهای ناپاک می‌گردد.

۲- تعویذهای که غیر از آیات قرآنی باشد مانند رسم جدول، یا نوشتن حروف ابجدی، یا تارها، یا نام‌های جن و شیطان و یا هر طلسمی باشد حرام بوده از جمله‌ی شرک بشمار می‌رود، چنانکه آن حضرت ﷺ می‌فرمایند: «هرکه چیزی را به جسم خویش ببندد، به همان چیز سپرده می‌شود». نزد احمد و ترمذی

همچنان می‌فرمایند: «دم کردن، تعویذها و آنچه بخاطر ایجاد محبت میان زن و شوهر است شرک بشمار می‌رود». نزد احمد و ترمذی

س ۷۴- آویختن مهره، حلقه، کره، چشم مهره، خرمهره، و قلاده و غیره بر گردن کودکان و حیوانات چه حکم دارد؟

ج - آویختن مهره، حلقه، چشم مهره، خرمهره، قلاده بخاطر دفع آسیب و نظر از کودکان و حیوانات همه شرک است چنانکه پوشیدن کراهی روماتیزم و غیره حرام و ناجایز بوده از امور شرکی شمرده شده است، پیامبر ﷺ می فرماید: «هرکه چیزی را به جسم خویش ببندد، به همان چیز سپرده می شود». نزد احمد و ترمذی

یعنی از حفاظت و نگرهبانی خداوند تعالی خارج شده به همان چیز سپرده می شود. همچنان آن حضرت ﷺ شخصی را فرستاده تا قلاده‌های را که بخاطر دفع نظر بر گردن شتران آویخته‌اند قطع نمایند. نزد بخاری و مسلم.

همچنان آن حضرت ﷺ شخصی را دیدند که در دستش کراهی را بسته است، آن حضرت ﷺ از او پرسیدند این چیست؟ آن شخص گفت: برای نجات از ناتوانی، سستی و کسالت آنرا بدست کرده‌ام. پیامبر ﷺ به وی فرمودند: آنرا از دست بیرون کن، زیرا این جز ناتوانی و کسالت چیز دیگری نخواهد بخشید، و اگر بمیری در حالیکه این حلقه در دستت باشد هرگز (از دوزخ) نجات نخواهی یافت» نزد حاکم و احمد.

س ۷۵: - در مورد دم کردن و دعا خوانی بر مریض، شریعت اسلامی چه حکم می کند؟

ج - دم کردن و دعاخوانی بر مریضان دو قسم است: ۱- مشروع ۲- نامشروع ۱- دم کردن و دعا خوانی مشروع آنست که خالی از الفاظ شرکی باشد درین صورت به سه شرط ذیل جایز می باشد:

- ۱- به زبان عربی باشد تا اینکه معنایش فهمیده شود.
- ۲- از قرآن کریم و یا احادیث نبوی و یا از اسماء و صفات خداوند تعالی باشد.

۳- معتقد به این باشد که دم و دعا به تنهایی خود مؤثر نبوده بلکه تأثیر آن به اراده و خواست خداوند متعال صورت می‌گیرد.

۴- دم و دعای نامشروع آنست که در آن الفاظ شرکی وجود داشته از غیر خداوند کمک و یاری خواسته شود، مانند دم کردن بنام‌های جن‌ها و فرشتگان، پیامبران، نیکوکاران و غیره که قادر به رساندن نفع و ضرر نیستند، چنانکه رفتن نزد مردمان معروف به فال بین و شعبده باز، جادوگر، و کسانی که اینکار را حرفه و پیشه‌ی خود قرار داده‌اند، نا جایز و حرام بوده مسلمان باید از آن‌ها دوری بجوید.

س ۷۶:- آیا حصول برکت و فیض از سنگ، درخت، قبر و غیره جایز است؟

ج :- حصول فیض و برکت از سنگ، درخت، قبر، چشمه، تپه و غیره اگر به این نیت باشد که گویا این‌ها وسیله و واسطه میان وی و خداوند قرار می‌گیرند و یا این‌ها شفاعت کننده نزد الله تعالی میباشند، در واقع وی به الله تعالی این چیزها را شریک ساخته و این از شرک اکبر محسوب می‌شود، خداوند می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾

[الزمر: ۳].

ترجمه: «و آنانى که جز خدا دوستان و یاران دیگری را بر میگیرند (میگویند): ما آنان را پرستش نمی‌کنیم مگر برای آنکه ما را به خداوند نزدیک گردانند».

و اگر به نیت این باشد که گویا با مالیدن و لمس کردن و یا رفتن به جاهای مخصوص جسمش پربرکت و پرفیض می‌گردد، این طرز فکر شرک اصغر است.

ابو واقد لیثی رضی الله عنه روایت می‌کند که: «ما در غزه‌ی حنین همراه با رسول الله صلی الله علیه و آله در حرکت بودیم، و ما در آن اواخر مسلمان شده بودیم که در طول راه درختی از بیر به نظر رسید که آنرا ذات انواط می‌نامیدند. مشرکین آنرا وسیله‌ی طواف قرار داده و سلاح‌های شانرا بآن می‌آویختند، پس نظر ما به درختی افتاد گفتیم ای رسول الله صلی الله علیه و آله برای ما هم درختی را برای آویزان کردن سلاح‌های ما انتخاب کن چنانکه مشرکین درختی برای سلاح آویزان کردن دارند، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: الله اکبر این رسم باستانی است، قسم بذاتیکه جانم بدست اوست، چنان گفتید که بنی اسرائیل برای موسی گفتند: برای ما الهی انتخاب کن چنانکه برای آن‌ها الهی است، یقیناً شما بر روش پیشینیان روان هستید» نزد ترمذی.

آن‌ها به این گمان بودند که این عمل در شرک داخل نیست، وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله ایشان را ازین عمل باز داشت خودداری نمودند.

س ۷۷: - بدعت در دین چیست؟

ج: - کلمه‌ی بدعت بمعنای اختراع و نو آوری است، و بدعت در دین آنست که هر امری در عبادات دلیلی از قرآن کریم و یا سنت پیامبر صلی الله علیه و آله نداشته باشد بدعت گفته می‌شود، همچنان بدعت را ضد سنت میتوان گفت. چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«کسی که عملی انجام دهد که دین ما آن را تأیید نکند مردود است.»

نزد مسلم

بعضی علما بدعت در دین را چنین تعریف کرده‌اند: کسی که قول و عملی مربوط به دین را مخالف قول و عمل پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحابش اختراع نماید بدعت نامیده می‌شود.

س ۷۸: - بدعت در دین چه حکم دارد؟

ج - بدعت و نوآوری در دین حرام است خداوند می فرماید:

﴿وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ ۖ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿۱۱۵﴾﴾ [النساء: ۱۱۵].

ترجمه: «کسی که مخالفت با پیغمبر کند بعد از آنکه راه هدایت روشن شده است و غیر راه مؤمنان را در پیش گیرد، او را به همان جهتی که دوستش داشته است رهنمود می گردانیم و به دوزخش داخل می گردانیم و دوزخ چه بد جایگاهی است!».

چنانکه پیامبر ﷺ در این مورد می فرماید: «بی گمان بهترین سخن کتاب خدا است و بهترین راه هدایت، راه هدایت محمدی است و بدترین امور آنست که بدعت باشد و هر امری نوپیدا (بدعت) گمراهی است» نزد مسلم.

س ۷۹: - لطفاً بعضی از بدعت‌های که در بین مسلمانان منتشر گردیده است مختصراً بیان کنید؟

ج - متأسفانه بدعت‌ها در جوانب مختلف عبادات و عادات مسلمانان رایج گردیده است، ما بطور مختصر به بعضی از این بدعت‌ها اشاره می نمایم خدا کند برادران مسلمان ما متوجه شده به ریسمان خداوند (قرآن و سنت) چنگ بزنند و راه‌های را که شیطان باز نموده است مسدود نمایند. بدعت‌های که در عبادات و عادات مردم راه یافته قرار ذیل می باشد:

- بدعت در روزه: روزه گرفتن اولین روز ماه رجب و مشخص نمودن بعضی روزهای این ماه به روزه، روزه گرفتن ماه‌های رجب و شعبان و رمضان پیاپی.
- بدعت در زکات: مانند کسی که زکات را به ماه رجب تأخیر می نماید.

- بدعت در حج: لمس کردن رکن عراقی و شامی کعبه‌ی شریفه، لازم گردانیدن بعضی از حجاج رفتن به جبل رحمه و مسح و لمس کردن جسمشان را در آنجا، تبرک جستن به درختان و سنگ‌های مکه و مدینه، طواف کردن به قبر پیامبر ﷺ و مسح و لمس کردن دیوار و منبر و محراب مسجد نبوی شریف، راه پیمایی و مظاهرات در موسم حج بنام براءت از مشرکین.
- بدعت در قرآن کریم: کراه کردن قاریان بخاطر خواندن قرآن بر روح مرده، آویختن آیات قرآن بشکل تعویذ، ختم مجلس با خواندن سوره‌ی عصر، قرآن خوانی بصورت جماعی، قرآن خواندن بالای قبرها، میله و مهمانی بنام ختم قرآن.
- بدعت در روز جنازه و بعد از آن: پوشانیدن مرده با پارچه‌ی که آیات قرآنی دارد، تقسیم نمودن صدقه و خیرات بالای قبر، دعوت نمودن مردم به منزل مرده و صرف طعام بعد از دفن، گذاشتن مرده در تابوت، کراه کردن قاریان بخاطر خواندن قرآن و بخشش اجر آن به مرده، برگزاری مجلس بخاطر ماتم و گریه و ناله، بلند کردن قبر و گذاشتن لوحه و گنبد بر سر قبر، گردهم آبی مردم به منزل مرده در روزهای اول، دوم و سوم و هفتم و شب‌های جمعه و روز چهارم و پوره شدن سال، گذاشتن گل‌ها، پاشیدن آب و غرس درخت بر قبر، مشخص نمودن روز معین بخاطر زیارت قبرهای اولیاء و انبیاء، پوشیدن لباس معین و رنگ معین در روز جنازه و بعد از آن.
- بدعت در بر نامه‌های خوشی: تجلیل روز مادر، روز معلم، سالگره‌ی اطفال و افروختن شمع، سالگره‌ی عروسی، مهمانی شب ششم تولد

طفل، تجلیل روز نوروز و آماده کردن هفت میوه، میله‌ی دیگچه، میله‌ی شب برات، پختن برنج و حبوبات در روز عاشورا.

- بدعت در مدح و ستایش اشخاص و حصول فیض و برکت از آن‌ها: مانند غلو و افراط در مدح انبیاء و مردمان نیک، تبرک و ستایش پسران مردمان صالح هر چند فاسق هم باشند، توسل جستن بحق و جاه مخلوقین، تبرک جستن از دروازه‌ها و دیوارهای مکه و مدینه و مقام ابراهیم و پوش کعبه و دیوارهای آن.

خواننده‌ی عزیز: بدعت تنها در امور فوق منحصر نبوده، بلکه انواع و اقسام بیشتر دارد که ضرورت به جمع آوری آن در کتاب‌ها می‌باشد.

بدعت‌های فوق و غیره خالی از دو حالت نیست، یکی اینکه پیامبر ﷺ و یارانش به آن عمل نکرده‌اند، و یا عادات، و تقالید مردمان غیر مسلمان است که در میان مسلمان رخنه نموده صلاحیت مشروع بودن را بخود داده‌است، پس بر مسلمان لازم است تا عبادات، رسم و رواج و عادات خویش را مطابق و موافق به احکام و ارشادات پیامبر گرامی ما محمد ﷺ عیار نمایند و از هر گونه بدعت و نوآوری در دین دوری نمایند زیرا بدعت بدتر از گناه کبیره است چون شخصی که گناه کبیره را مرتکب می‌شود می‌داند که وی گنهکار شده و شاید روزی توبه نماید، اما شخصی که بدعت کار باشد اعتراف به گناه نمی‌کند و خود را پا بند به شریعت می‌داند و ادعاء می‌کند که وی بوسیله‌ی این اعمال بدعتی بخداوند نزدیک می‌گردد و روزی هم به فکر توبه نمی‌شود، تا اینکه موجب غضب و قهر خداوند شده از رحمت وی محروم می‌گردد، مگر کسی را که خداوند به لطفش رهنمایی نموده بحق رجوع کند.

س ۸۰: - آیا پیامبر گرامی ما حضرت محمد ﷺ از نور آفریده شده‌اند یا

از نطفه؟

ج - : خداوند تعالی محمد ﷺ را مانند سایر بشریت از نطفه آفریده است، خداوند می فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَلِعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾ [غافر: ۶۷].

ترجمه: «خداوند ذاتیست که شما را از خاک آفرید سپس از نطفه، سپس از خون بسته، سپس شما را کودک بیرون می آرد».

س ۸۱: - آیا پیامبر ﷺ مانند سایر بشریت چشم از جهان پوشید، یا اینکه مرگ وی با دیگران فرق دارد؟

ج - : پیامبر ﷺ مانند سایر بشر چشم از جهان پوشیدند و به خاک دفن گردیدند، خداوند می فرماید: ﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ ﴿٣٠﴾ [الزمر: ۳۰].

ترجمه: «ای محمد! تو هم می میری، و همه آنان می میرند».

روزیکه پیامبر گرامی ما حضرت محمد ﷺ وفات یافتند حضرت عمر رضی الله عنه مدهوش شده بود و می گفت: سوگند به خدا بیگمان پیامبر ﷺ باز می گردد و همانا دست و پای کسانی که می گویند او مرده است قطع و بریده خواهد شد. ابوبکر صدیق از خانه ی عایشه رضی الله عنها بیرون آمد در حالیکه عمر با مردم صحبت می کرد. ابوبکر گفت: ای عمر! بنشین. سپس گفت: اما بعد! آنکه از شما محمد ﷺ را می پرستید باید بدانند که محمد مرده است و آنکه الله را می پرستید باید بدانند که خدای محمد زنده است و نمی میرد. خداوند می فرماید:

﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ أُنْقَلَبُتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٤﴾ [آل عمران: ۱۴۴].

ترجمه: «محمد جز پیغمبری نیست و پیش از او پیغمبران بوده و رفته‌اند؛ آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، شما به عقب بر می‌گردید؟! و هرکس به عقب باز گردد هرگز کوچکترین زبانی به خدا نمیرساند و خدا به شکرگزاران پاداش خواهد داد».

عمر رضی الله عنه گفت: به خدا سوگند بعد از اینکه ابوبکر آن را تلاوت کرد بر زمین افتادم و دانستم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وفات یافته‌اند. نزد بخاری

س ۸۲: - چگونه خداوند متعال و پیامبر گرامی‌اش را دوست بداریم؟

ج: - خداوند و رسولش را با فرمانبرداری و اوازشان دوست می‌داریم و هرکسی ادعای محبت خداوند و رسولش را دارد، باید پیروی از ارشادات و رهنمائی‌های محمد صلی الله علیه و آله و سلم کند نه اینکه به زبان ادعا نماید. خداوند می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [آل عمران: ۳۱].

ترجمه: «بگو: اگر خدا را دوست میدارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد، و خداوند آمرزنده‌ی مهربان است». چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «ایمان کسی از شما کامل نخواهد شد تا اینکه مرا بیشتر از پدر و فرزند و تمامی مردم دوست نداشته باشد» نزد بخاری.

س ۸۳: - علت و انگیزه‌ی ظهور بدعت‌ها در امت اسلامی چیست؟

ج: - عمده‌ترین عواملی که منجر به ظهور بدعت و نوآوری در امت اسلامی گردیده چهار چیز است:

۱- دوری مسلمانان از احکام و فرامین دین‌شان.

۲- تشبه به کفار و تقلید از کلتور آنان.

۳- پیروی از خواهشات نفس.

۴- تعصب به آراء و نظریات اشخاص.

س ۸۴:- چگونه از بدعت، انحراف و خرافات دوری و رزیم؟

ج :- یگانه راه نجات از بدعت‌ها و خرافات پیروی از قرآن و سنت پیامبر ﷺ و روش یاران پیامبر ﷺ است، هر مسلمان مکلف است تا در جستجوی حق شده حق را از باطل، سنت را از بدعت تمیز نماید و از تعصب به اشخاص و نظریات شخصی که مبتنی بر دلایل شرعی نیست بپرهیزد و همیشه به علماء و دانشمندان اسلامی تماس داشته مسایلی را که وی درست درک کرده نمی‌تواند با علماء مطرح نماید.

شکی نیست که هر گروه و فرقه‌ی منسوب به اسلام خود را بر حق دانسته وارث بهشت می‌شمارد لیکن معیار بر حق بودن چیست؟ پیامبر ﷺ این معیار را تعیین می‌کند چنانکه می‌فرماید «دیری نخواهد گذشت که امت من هفتاد و سه گروه گردند تمام آن‌ها در دوزخ می‌روند غیر از یک گروه، آن‌ها کسانی‌اند که پیروی از من و اصحاب من می‌کنند». نزد ترمذی و حاکم.

همچنان می‌فرماید: «شما را به تقوی و ترس از خدا، و شنیدن و اطاعت کردن توصیه می‌کنم هر چند غلام حبشی بر شما امیر باشد، بی‌گمان آنکه از شما زنده بماند، بزودی شاهد اختلافات زیادی خواهد بود، پس بر شما لازم است که از طریقه‌ی من و طریقه‌ی خلفای راشدین که آن‌ها هدایت کنندگان‌اند پیروی نمایید و آنرا باندان‌ها محکم گیرید و از بدعت در دین بپرهیزید زیرا هر امر نو پیدایی گمراهی است» نزد ابو داود و ترمذی.

س ۸۵:- هرگاه در مسأله‌ی اختلاف رخ دهد چگونه آنرا حل نمائیم؟

ج :- اگر در مسأله‌ی اختلاف رخ داد به قرآن کریم و سنت صحیح

رسول الله ﷺ رجوع نموده آنرا حل و فصل می‌کنیم، خداوند می‌فرماید:

﴿فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ [النساء: ۵۹].

ترجمه: «و اگر در چیزی اختلاف کردید آن را به خدا و پیغمبر او برگردانید، اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید، این کار برای شما بهتر و خوش فرجام تر است». همچنان پیامبر ﷺ در این مورد چنین توصیه می نمایند:

«میان شما دو چیز را گذاشته ام که اگر به آندو چنگ زنید هرگز گمراه نخواهید شد کتاب خدا و سنت رسول الله» موطا مالک.

خداوند می فرماید: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [الحشر: ۷].

ترجمه: «چیزهای را که پیغمبر برای شما (از احکام الهی) آورده است اجراء کنید، و از چیزهای که شما را از آن باز داشته است، دست بکشید، از خدا بترسید که خداوند عقوبت سختی دارد».

س ۸۶:- در باره ی اصحاب کرام ﷺ چگونه عقیده داشته باشیم؟

ج :- بر هر مسلمان واجب است که آنان را دوست داشته و احترام نماید، قلب و زبانش در مورد آن ها پاک باشد، گواهی دهد که آنان مردمان عادل بودند، هیچ نوع کینه و کدورت در مورد آن ها نداشته باشد، زبان خود را از بدگویی آن ها محفوظ نگهدارد. پیامبر ﷺ در مورد آن ها چنین توصیه می فرمایند: «یاران مرا دشنام ندهید، قسم بذاتیکه جانم بدست اوست اگر یکی از شما چون کوه احد طلا و صدقه بدهد، به اندازه ی یک و یا نیم پیمانہ صدقه ی آن ها نمی رسد» متفق علیه.

آن ها نمونه ی از تقوی، وفا، سخاء و صداقت اند که حتی در تورات و انجیل از آنان یاد شده است چنانکه آیات زیادی از قرآن گواه و شاهد بر

آن‌هاست پس هر که در مقابل آن‌ها دشمنی می‌ورزد یا آن‌ها را به بدی یاد می‌کند و یا طعنه می‌زند زندیق است زیرا وی آیات و احادیث صریح که در مورد فضیلت آن‌ها است رد و تکذیب می‌کند.

س ۸۷: - آیا میان یاران پیامبر ﷺ تفاوت و افضلیت وجود دارد؟

ج -: بلی! افضلترین اصحاب پیامبر ﷺ مهاجرین سپس انصار، و بعد از آنان کسانی که در جنگ بدر و احد شرکت نموده بودند، به دنبال آن‌ها اصحاب بیعت رضوان سپس کسانی‌اند که قبل از فتح مکه مال‌های خود را در راه خداوند خرج نمودند، سپس کسانی که بعد از فتح مکه مشرف به اسلام و صحبت پیامبر گرامی اسلام شدند.

س ۸۸: - افضل‌ترین اصحاب پیامبر ﷺ چه کسانی‌اند؟

ج -: افضلترین اصحاب پیامبر ﷺ خلفای راشدین «حضرت ابوبکر، حضرت عمر، حضرت عثمان، حضرت علی رضی الله عنه» هستند سپس ده نفر صحابی که مژده به جنت داده شده‌اند که عبارت‌اند از:

خلفای راشدین، زبیر بن عوام، طلحه بن عبیدالله، عبدالرحمن بن عوف، ابو عبیده بن جراح، سعد بن ابی وقاص و سعید بن زید رضی الله عنهم.

س ۸۹: - عقیده اهل سنت و جماعت در مورد اختلافات و درگیری‌های

که میان اصحاب کرام صورت گرفت چیست؟

ج -: مذهب اهل سنت و جماعت در مورد آنچه که میان صحابه‌ی کرام رخ داد اینست که از هر گونه قضاوت و داوری و اظهار نظر و بحث و مناقشه در مورد آنان خودداری باید کرد و این توصیه‌ی خداوند را شعار خود قرار می‌دهند:

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿۱۰﴾ [الحشر: ۱۰].

ترجمه: «پروردگارا! ما را و برادران ما را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته‌اند بیمارمز، و کینه ای نسبت به مؤمنان در دل‌های ما جای مده، پروردگارا! تو دارای رأفت و رحمت فراوانی هستی.»

درگیری‌های که میان آنان رخ داد البته از روی اجتهاد بود و هر مجتهدی از دو حالت خالی نیست، یا درست و یا خطا، اگر اجتهادش درست و حق با او بود، دو اجر دارد و اگر اجتهادش نادرست و حق با او نبود یک اجر دارد، لذا هر دو جانب از اجر و پاداش بی‌بهره نیستند زیرا هدف و مقصد آنان از این اختلافات و درگیری‌ها منصب، ریاست و یا مطلب دنیوی نبوده فقط بخاطر دفاع از حق و حصول رضامندی خداوند و رفع مسؤولیت چنین اختلافات میان آن‌ها رخ داده‌است.

لغزش و خطاهای آن راد مردان تاریخ در پهلوی بحر بیکران فضایل و کارنامه‌های نیک آنان قابل مقایسه نیست. ایشان این جهان را در حالی وداع گفتند که خداوند از آن‌ها راضی و خشنود و آن‌ها از الله تعالی راضی بودند، چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولُو الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۱۰۰﴾ [التوبة: ۱۰۰].

ترجمه: «پیشگامان نخستین مهاجران و انصار و کسانی که به نیکی روش آنان را در پیش گرفتند و راه ایشان را بخوبی پیمودند، خداوند از آنان خوشنود است و ایشان هم از خدا خوشنودند، و خداوند برای آنان بهشت را آماده ساخته است که در زیر (درختان و کاخ‌های) آن رود خانه‌ها جاری است و جاودانه در آنجا می‌مانند، این است پیروزی بزرگ و رستگاری سترگ.»

متأسفانه در عصر حاضر به اصطلاح بعضی از روشنفکران و نویسندگانی که در مورد اصحاب پیامبر ﷺ داوری و قضاوت کرده بعضی از آن‌ها را بر حق و دیگری را خطا کار معرفی می‌کنند، باید بدانند که از راه راست تخطی نموده‌اند و پلان‌های دشمنان کینه توز اسلام را پیاده می‌نمایند، دشمنان اسلام بخاطر تفرقه افگنی و بد نام کردن بزرگان صدر اسلام روایات دروغین و تحریف شده‌ی زیادی را تزویر و جعل نموده‌اند و همچو فیلسوف نماها به این روایات استناد و استدلال نموده، جهل و نادانی خویش را ثابت می‌نمایند.

س ۹۰:- مسؤلیت ما در قبال اهل بیت پیامبر ﷺ چگونه است؟

ج :- اهل سنت و جماعت در همه مسایل میانه رو است من جمله موقف آن‌ها در مورد اهل بیت رسول الله ﷺ معتدل بوده در مورد آن‌ها نه افراط و نه تفریط دارند، آن‌ها را از صمیم قلب دوست داریم و معتقد هستیم که خداوند تعالی آن‌ها را از هرگونه زشتی و ناپاکی دور و پاک ساخته است، محبت و دوستی اهل بیت را جز ایمان خود می‌دانیم زیرا پیامبر ﷺ به امتش وصیت نموده تا اهل بیتش را دوست داشته آن‌ها را احترام نمایند چنانکه می‌فرمایند: «اهل بیت من، الله ﷻ را در باره‌ی آن‌ها به شما یاد می‌کنم) نزد مسلم و احمد- یعنی از خدا بترسید آن‌ها را به بدی یاد نکنید-

س ۹۱:- چه کسانی اهل بیت پیامبر ﷺ اند؟

ج :- اهل بیت پیامبر ﷺ آنانی‌اند که گرفتن صدقه بر ایشان حرام است و عبارت‌اند از: همسران و دختران پیامبر گرامی مان ﷺ و آل علی، آل جعفر، آل عباس، بنو حارث بن عبد المطلب.

س ۹۲:- اگر امروز کسی ادعا کند که وی از اهل بیت پیامبر گرامی

ما وآلِهِ است با وی چگونه رفتار نماییم؟

ج :- اگر کسی ادعا کند که وی از نسل پیامبر وآلِهِ و یا از اهل بیتش است (سید و یا شریف است) وی را دوست می‌داریم و احترامش را بجا می‌آوریم لیکن مشروط بر اینکه پیرو و پابند شریعت و سنت آن حضرت وآلِهِ باشد، اما اگر این ادعا را کند سپس عملش مخالف سنت و شریعت پیامبر وآلِهِ باشد، پس دوستی و احترام او جایز نیست، زیرا آن حضرت وآلِهِ فرموده‌اند: «کسی که عملش نزد خداوند قبول نگردد نسبتش به وی سودی نخواهد کرد». نزد مسلم

همچنان هنگامی که خداوند پیامبرش را امر فرمود تا خویش و اقاریش را به اسلام دعوت نموده آنان را از آتش دوزخ بیم دهد، آن حضرت وآلِهِ بر خاسته فرمودند: «ای گروه قریش! خود را از آتش دوزخ نجات دهید! ای گروه بنی کعب خود تان را از آتش دوزخ نجات دهید! ای فاطمه دختر محمد وآلِهِ! خود را از آتش دوزخ نجات ده که به خدا سوگند من در نزد خداوند به شما نفعی رسانیده نمی‌توانم...» نزد مسلم

س ۹۳:- اگر شخصی مرتکب گناهی بزرگ و یا شرک شود آیا دروازه‌ی

توبه برویش باز است؟

ج :- بلی! دروازه‌ی توبه بروی هر کسی باز است و هرگاه انسان از عمق دل و اخلاص کامل توبه کند خداوند گناهان او را می‌آمرزد چنانکه می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ

عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ﴾ [التحریم: ۸].

ترجمه: «ای مؤمنان! به درگاه خداوند توبه‌ی نصح کنید، چه بسا پروردگارتان گناهانتان را محو نماید».

س ۹۴:- توبه‌ی که مورد قبول قرار می‌گیرد چگونه است؟

ج :- توبه از هر گناهی واجب است اما اگر گناه میان بنده و خدا باشد و به حقوق آدمی ارتباط نداشته باشد با سه شرط قبول می‌گردد:
۱- گناه را ترک کند.

۲- از انجام دادن آن اظهار ندامت و پشیمانی نماید.

۳- تصمیم گیرد که دوباره آن را انجام ندهد.

اگر یکی از این شروط موجود نشود، توبه‌اش مورد قبول نیست.

و اگر گناه به حقوق انسان‌ها تعلق داشته باشد چهار شرط دارد، علاوه بر این شروطی که ذکر شد، اینکه از صاحب حق بخشش طلب کند.
اگر این حق مال و امثال آن باشد به وی باز گرداند، اگر حد تهمت و امثال آن باشد از او طلب عفو کند، اگر غیبت باشد بخشش طلبد و لازم است از همه‌ی گناهان توبه کند.

س ۹۵:- چه زمانی توبه قبول نمی‌گردد؟

ج :- دو وقتی است که توبه قبول نمی‌شود:

۱- هنگامی که شخص فرشته‌ی مرگ را ببیند و متیقن گردد که مرگ به

سراغش آمده است، توبه‌اش قبول نمی‌گردد، پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

«خداوند عزوجل توبه‌ی بنده را می‌پذیرد تا لحظه‌ای که روح به

حلقومش نرسد». نزد ترمذی

۲- هنگامی که آفتاب از مغرب طلوع کند دروازه‌ی توبه بسته می‌شود

چنانکه آن حضرت صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «قیامت بر پا نمی‌شود تا آنکه

آفتاب از مغرب طلوع نکند، هنگامی که طلوع کرد و مردم آنرا

مشاهده کردند همگی ایمان می‌آورند لیکن در آن وقت ایمان آوردن
سودی نمی‌بخشد». نزد بخاری و مسلم

س ۹۶:- پیامبر ﷺ چگونه امتش را به توبه و بازگشت به سوی خداوند
توصیه نموده‌اند؟

ج :- پیامبر گرامی ما حضرت محمد ﷺ می‌فرمایند: «ای مردم! از
خدا آمرزش طلبیده و به درگاه او توبه کنید، زیرا من در هر روز صد بار توبه
می‌کنم». نزد مسلم
هدف از این حدیث عدد معین در توبه نیست بلکه کثرت و بسیاری توبه
و بازگشت به خداوند است.

س ۹۷:- آیا کسی بدون حساب و عذاب وارد بهشت می‌شود؟

ج :- بلی! هفتاد هزار از امت محمد ﷺ بدون حساب و عذاب وارد
بهشت خواهند شد، ایشان کسانی‌اند که بخاطر دم خوانی نزد کسی
نمی‌روند، و جسم‌های‌شان را بخاطر تداوی داغ نمی‌کنند، و انجام کاری و یا
خودداری از آنرا به اساس شوم بودن چیزی پی ریزی نمی‌کنند (بدفالی
نمی‌کنند)، و به پروردگار شان توکل دارند» بر گرفته از حدیث متفق علیه
س ۹۸:- چه کسانی در روز قیامت زیر سایه‌ی عرش خداوند قرار
می‌گیرند؟

ج :- پیامبر گرامی ما ﷺ می‌فرمایند: «هفت کس است که خداوند
آنان را در سایه‌ی عرش خود، در روزی که جز سایه‌ی عرش او وجود ندارد
جای می‌دهد: زمامدار و رهبر عادل، و جوانی که در عبادت خداوند تعالی
نشو و نما یافته، و مردی که دلش به مساجد پیوسته است، و دو مردی که
برای خدا باهم دوست شدند، و برای او با هم یکجا شدند و برای او از هم
جدا گشتند (یعنی دوستی‌شان تا دم مرگ پایدار بود) و مردی که زنی زیبا
و مقبول از او طلب همبستری کرد و او گفت: من از خدا می‌ترسم، و مردی

که پنهانی صدقه داد، بگونه ای که دست چپش از آنچه دست راستش انفاق کرده با خبر نشد (یعنی دور از ریا و خاص برای خدا بود) و مردی که در تنهائی خدا را یاد نمود و اشک از چشمانش سرازیر شد «متفق علیه».

س ۹۹:- بهترین مسلمانان چه کسی می باشد؟

ج :- پیامبر خدا ﷺ می فرمایند: «آنکه مسلمانان از دست و زبان او در امان بمانند». متفق علیه

از خداوند میخواهیم تا دستهای ما را از ظلم و تجاوز بر حقوق دیگران در امان دارد و زبانهای ما را از غیبت و سخن چینی پاک نگهدارد. متأسفانه امروز ما مسلمانان از هدایت و رهنمودهای اسلام دور گشتیم، بخاطر بدست آوردن مال و سرمایه و حفظ جاه و منصب چه ظلمی را بر دیگران روا می داریم! ارزشهای مردم اعم از آبرو، عزت، کرامت مال، جان و... آنان نزد ما قیمتی نداشته بلکه در راه منافع شخصی خویش با دست و زبان سایر مسلمانان را اذیت می نمایم.

خداوندا! دستهای ما را از تجاوز بر حقوق دیگران حفظ نما.

خداوندا! زبانهای ما را از غیبت، سخن چینی، توهین و تحقیر مسلمانان محفوظ گردان.

وصلی الله علی نبینا محمد وآله وصحبه وسلم

مآخذ

- 1- شرح العقيدة الطحاوية للإمام علي ابن ابي العز الحنفي.
- 2- غايه ي المرید فی شرح کتاب التوحید للشیخ صالح بن عبد العزیز آل الشیخ.
- 3- معارج القبول للحافظ الحکمی.
- 4- محاضرات فی العقیده و الدعوه ی للشیخ صالح الفوزان.
- 5- الواجبات المتحتتمات المعرفه ی علی کل مسلم و مسلمه ی للشیخ محمد بن سلیمان التمیمی.
- 6- العقیده الصحیحه ی و ما یضادها للعلامه ی عبد العزیز بن باز.
- 7- التوحید للناشئه ی و المبتدئین للدکتور عبد العزیز بن محمد آل عبد اللطیف.
- 8- مختصر العقیده الاسلامیه ی لمحمد بن جمیل زینو.
- 9- عقیده ی اهل السنه ی و الجماعه ی للشیخ العلامه ی محمد بن صالح العثیمین.
- 10- التوحید بین السایل و المجیب للشیخ ابراهیم صالح الخضیری.
- 11- البدع و المحدثات و ما لا أصل له لحمود عبدالله المطر.
- 12- تفسیر نور للشیخ مصطفی خرم دل.

13- کتاب التوحید للشیخ صالح الفوزان.